



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Lived Experiences of Students Regarding Teachers' Motivational and Anti-motivational Actions in the Teaching-Learning Process

SayedeH Fahimeh Arfaei¹, Hossein Jafari Suni^{*2}, Morteza Karami³, Shiva Jalayeri Layeen⁴

¹ Master of Curriculum Development, Department of Curriculum Studies and Instruction, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

² Associate Professor, Department of Curriculum Studies and Instruction, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

³ Professor, Department of Curriculum Studies and Instruction, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

⁴ PhD in Curriculum, University Lecturer, Department of Educational Sciences. Mashhad, Iran.

ABSTRACT

Keywords

Live Experiences
Motivational actions
Motivational and
antimotivational
Instructional-Learning
Processes

¹ .Corresponding author
✉ hsuny@um.ac.ir

Received: 2023/08/23

Reviewed: 2024/11/19

Accepted: 2024/11/24

Published online: 2025/07/14

Background and Objectives: The present study was conducted with the aim of examining the students Live Experiences regarding their teachers' motivational actions in the Instructional-Learning Processes. **Methods:** The research approach was qualitative and its method was phenomenological study. The research population included Imam Reza's (Imam Reza) girl's school in the Tabadkan area of Mashhad; the research sample included students from the 7th, 8th and 9th grade high school students. For data collection, semi-structured interviews were used to reach theoretical saturation. Analyzing data was performed by Strauss & Corbin Three Phases Coding Theory(GT). The validity of the research was verified by participant's examination, second rater (coder) and the negative analysis were used. **Findings:** Findings indicated that teachers' motivational actions include three stages of motivation, persistence of motivation and durability of motivation; and the measures that reduce motivation in students are: actions that cause lack of proper communication, actions that It causes feelings of inadequacy and competence in students and actions that cause distrust in students. **Conclusion:** The results show that teachers also play a very important role in creating and increasing motivation in students. Teachers are advised to provide effective and efficient solutions to motivate students



<https://pma.cfu.ac.ir>

DOI: [10.48310/pma.2025.14692.4219](https://doi.org/10.48310/pma.2025.14692.4219)

Citation (APA): Arfai, S. F. , Jafari Sani, H. , Kerami, M. and jalayeri laeen, S. (2025). Lived experiences of students regarding teachers' motivational and anti-motivational actions in the teaching-learning process. *Educational and Scholastic studies*, 14 (2), 179 - 204 .

 <https://doi.org/10.48310/pma.2025.14692.4219>



تجارب زیسته دانش‌آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی و ضد انگیزشی معلمان در فرآیند یاددهی - یادگیری

مقاله پژوهشی / مروری

سیده فهیمه ارفع^۱، حسین جعفری‌ثانی^{۲*}، مرتضی کرمی^۳، شیوا جلایری لایین^۴

۱ کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲ دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳ استاد گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۴ دکتری برنامه درسی، مدرس دانشگاه، گروه علوم تربیتی، مشهد، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: پژوهش حاضر با هدف بررسی تجارب زیسته‌ی دانش‌آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی معلمان در فرآیند یاددهی - یادگیری انجام شده است. **روش‌ها:** با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه، پژوهش حاضر از حیث هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی و از حیث روش پژوهش، از نوع پدیدارشناسی توصیفی با رویکرد کیفی است. میدان مطالعه این پژوهش، مدرسه دخترانه‌ی امام رضا(ع)، دوره اول متوسطه واقع در منطقه تبادکان مشهد بوده است و نمونه پژوهش دانش‌آموزان پایه هفتم، هشتم و نهم دبیرستان بوده که به صورت نمونه‌ی هدفمند مورد مطالعه قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختار یافته فردی تا رسیدن به اشباع نظری استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش سه مرحله‌ای کدگذاری اشتراوس و کوربین استفاده شده است. جهت کسب اعتبار پژوهش از روش‌های بررسی توسط مشارکت‌کنندگان، کدگذاری ثانویه، تبادل نظر با همتایان و تحلیل موارد منفی استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اقدامات انگیزشی معلمان، شامل ۳ مرحله‌ی ایجاد انگیزه، تداوم انگیزه و ماندگاری انگیزه می‌باشد؛ و اقدامات ضدانگیزشی آنان شامل ۳ محور است که عبارتند از: اقداماتی که سبب عدم برقراری ارتباط مناسب می‌شود، اقداماتی که سبب احساس عدم کفایت و شایستگی در دانش‌آموزان می‌شود و اقداماتی که سبب احساس عدم اعتماد در دانش‌آموزان می‌شود. **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان می‌دهد معلم نیز نقش بسیار مهمی در ایجاد و افزایش انگیزه در دانش‌آموزان دارد. به معلمان توصیه می‌شود راهکارهای موثر و کارآمدی را در جهت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان ارائه دهند.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.

واژه‌های کلیدی

تجربه زیسته

اقدامات انگیزشی و ضدانگیزشی
فرآیند یاددهی - یادگیری

۱. نویسنده مسئول

hsuny@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴

انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

شماره صفحات: ۱۷۹ - ۲۰۴

DOI: [10.48310/pma.2025.14692.4219](https://doi.org/10.48310/pma.2025.14692.4219)

شاپا الکترونیکی: ۲۶۴۵-۸۰۹۸

COPYRIGHTS



©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

انگیزش^۱، از مباحث کلیدی تعلیم و تربیت است که شناسایی مفهومی آن و آگاهی از فنون ایجاد و افزایش آن در دانش‌آموزان به معلم کمک می‌کند تا در اجرای برنامه‌های آموزشی خود، روش‌های بهتری را به کار گیرد. کلمه انگیزش، از فعل لاتین mover به معنی حرکت مشتق شده است. انگیزش، نیاز به نوعی اقدام یا حرکت دارد چه فیزیکی و چه ذهنی (Allen Criss, 2011). انگیزه تحصیلی موضوعی است که در تحقیقات آموزشی در حال رشد بوده و تحت تأثیر عواملی چون حمایت اجتماعی، جهت‌گیری هدف، پیشرفت، اضطراب و خودکارآمدی دانش‌آموزان می‌باشد. در واقع انگیزه تحصیلی فرآیند پویا و مداوم بوده که این فرآیند تحت تأثیر عوامل ذاتی و عوامل بیرونی است (Graciani, HidajatHanurawan, Chusniyah & Rahmawati, 2020).

در حوزه‌ی آموزشی، انگیزه یک پدیده سه بعدی است که در برگیرنده‌ی باورهای شخصی درباره‌ی توانایی انجام فعالیت مورد نظر، دلایل یا اهداف فرد برای انجام آن فعالیت و واکنش عاطفی مرتبط با انجام آن فعالیت می‌باشد. با وجود انگیزه، دانش‌آموزان محرک لازم را برای به پایان رساندن موفقیت‌آمیز یک تکلیف، رسیدن به یک هدف آموزشی یا دستیابی به درجه‌ی معینی از شایستگی در کار خود را پیدا می‌کنند (Yousefi, Ghasemi and Firouznia, 2009). مطالعات بیانگر آن است که انگیزش یک حالت درونی است که باعث می‌شود افراد اقدامات هدفمند را به گونه‌ای انجام دهند که مشوق انجام فعالیت‌های بعدی نیز باشد. اگرچه انگیزه به عنوان یک محتوای پویاست، اما نمی‌توان اهمیت موقعیت یا زمینه را نادیده گرفت. عناصر تشکیل دهنده و شتاب دهنده انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان ارزشها، علایق، اهداف، برنامه ریزی، مشوق‌ها، محیط، اطلاعات شخصی فرد و خودشناسی، عزت نفس و خودکارآمدی می‌باشد که در افزایش یا کاهش انگیزه تأثیر می‌گذارد (Fuertes & et al, 2020). انگیزش درونی^۲، یعنی این که فرد، فعالیتی را برای نفس آن عمل انجام بدهد و رضایت و خشنودی شخصی‌اش عامل انجام آن فعالیت باشد. انگیزش بیرونی^۳ به نوعی گرایش انگیزشی اشاره دارد که به تنهایی از طریق لذت بردن از درگیر شدن در فعالیت چالش برانگیز و توانمندسازی برانگیخته نمی‌شود بلکه عوامل خارج از فعالیت مانند پول، تبلیغات و... آن را تنظیم می‌کند (Muñoz & Ramirez, 2015).

افراد دارای انگیزه درونی احساس کفایت بیشتری نسبت به افراد با انگیزه بیرونی دارند زیرا انگیزه بیرونی باعث می‌شود که فرد منحصرأ برای پاداش کار کند پس باید سعی کرد تا در کلاس انگیزه‌های بیرونی را درونی کرد. استیون رکورد کری^۴ معتقد است که "انگیزش، آتش از درون است. اگر شخص دیگر سعی در روشن نگه داشتن این آتش در درون شما را داشته باشد؛ شانس کوتاه مدتی دارد. انگیزه درونی یک محرک درونی است که دانش‌آموزان را به یادگیری فعال تحریک می‌کند مفهوم انگیزه تحصیلی با مفهوم علاقه متفاوت است انگیزه درونی به نوبه خود و به طور مستمر ناشی از عوامل مؤثر بر انگیزه تحصیلی یعنی حمایت اجتماعی است (همسالان، سخنرانان، خانواده، دیگران)، جهت‌گیری هدف (گرایش، تسلط، اثبات هدف، جهت‌گیری)، تجربه شکست، اضطراب، موفقیت و خودکارآمدی است (Graciani, HidajatHanurawan, Chusniyah & Rahmawati, 2020). اما از مهمترین عاملی که مستقیم با میزان یادگیری رابطه مثبت دارد، سطح توانایی یادگیرندگان است. پس از آن، دو عامل مهم دیگر، یکی آموزش معلم و دیگری انگیزش برای یادگیری بودند. برای این که ما چیزی را یاد بگیریم باید: به یادگیری آن راغب باشیم، قدرت و توانایی یادگیری آن را داشته باشیم، فرصت و امکان یادگیری آن به ما داده شود و در آن چه یاد می‌گیریم راهنمایی لازم شده باشد. از این چهار عامل، سه عامل قدرت، فرصت و راهنمایی وقتی سودمند خواهند بود که ما یاد گرفتن را بخواهیم، یعنی محرک یا انگیزه‌ای ما را به آموختن برانگیزد. وجود انگیزه نه تنها برای آغاز یادگیری ضروری است، بلکه برای ادامه و تقویت آن و حل مسائل و مشکلاتی که پیدا می‌شود و کاربرد آموخته‌ها در اوضاع تازه نیز ضرورت دارد و

1. motivation

2. intrinsic motivation

3. extrinsic motivation

4. Stephen R. Covey

بدین سبب است که انگیزه قوی، دقت و تمرکز فعالیت ذهنی را زیاد می‌کند، پیدایش خستگی را به تأخیر می‌اندازد و پذیرش راهنمایی را در یادگیرنده بیشتر می‌کند. به این ترتیب انگیزه یا محرک، شرط ضروری هرگونه یادگیری است (Mohammadi, 2011). انگیزش هم هدف است و هم وسیله، به عنوان هدف، ما از دانش‌آموزان می‌خواهیم نسبت به موضوعات مختلف علمی و اجتماعی علاقه‌کسب کنند. از این‌رو، تمام برنامه‌های درسی که در آنان فعالیت‌های حیطه عاطفی ملحوظ شده است، دارای هدف انگیزشی هستند. به عنوان وسیله، انگیزش مانند آمادگی ذهنی است که عنوان رفتار ورودی، یک پیش‌نیاز یادگیری به حساب می‌آید و تأثیر آن بر یادگیری کاملاً آشکار است (Saif, 2001).

گرچه انگیزه تحصیلی و درونی در بین دانش‌آموزان با متغیرهای جنسیت، سال تحصیلی، پیشرفت تحصیلی و انتظارات برای ادامه تحصیلات ارتباط دارد اما انگیزه تحصیلی و احساس شایستگی را می‌توان با گنجاندن عوامل تشویق‌کننده مفید و بالا بردن خودکارآمدی افزایش داد. دانش‌آموزانی که مهارت‌های شناختی مناسبی را کسب می‌کنند با گذشت زمان و داشتن انگیزه کافی برای مشارکت در یادگیری، مهارت‌های خودتنظیمی در یادگیری را آموخته‌اند و تکالیف یادگیری را ذاتاً محرک و ارزشمند می‌بینند و در نتیجه دانش‌آموزان با سطح پیشرفت تحصیلی بالا انگیزه تحصیلی بیشتری دارند. همچنین محیط‌هایی یادگیری که از استقلال حمایت می‌کند، انگیزه خودمختاری در دانش‌آموزان را به معناداری افزایش داده و در ادامه کار پیشرفت تحصیلی را به همراه دارد (Koyuncuoglu, 2021). از طرف دیگر هنگامی که دانش‌آموزان علاقه‌ای به موضوع درس ندارند، بر شیوه‌ی واکنش و گوش دادن آن‌ها به معلم تأثیر می‌گذارد. و زمانی که بسیاری از دانش‌آموزان بر این باور باشند که قادر به گذراندن درس نیستند، معلم نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در مواجهه با دانش‌آموزان بی‌علاقه، معلمان ممکن است با بی‌تفاوتی نسبت به یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزان و به عنوان رفع تکلیف، درس را به صورت یک‌طرفه، یکنواخت و بدون تعامل ارائه و تمام نماید (Kaveh, 2010). همچنین اهمیت انگیزش در یادگیری به اندازه‌ای است که حتی می‌تواند کاستی‌های موجود در توانایی و استعداد افراد را جبران کند (Mottaqi, Yazdi, Bani Jamali and Darvezeh, 2014; quoted from Csizer & Dornyei, 2005). البته موفقیت دانش‌آموزان تا حد زیادی به طیف گسترده‌ای از حوزه‌های علمی، دانش زمینه‌ای، عوامل محیطی تاثیرگذار، اقدامات انگیزشی و توانایی آنها در تصور، دستکاری و هدایت اطلاعات پیچیده بستگی دارد. هنگام بررسی انگیزه‌ها و رفتارهای دانش‌آموزان، طیف گسترده‌ای از روش‌ها، اقدامات و مداخلات وجود دارد که از بین آنها می‌توان انتخاب کرد حتی قوانینی که در محیط خانواده می‌تواند برای ارتقای سطح تحصیلی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد، نیز تاثیرگذار باشد (Hands, & Limniou, 2013).

امروزه ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان به یکی از دغدغه‌های اصلی معلمان و والدین تبدیل شده است. برای نیل به این هدف، یعنی ایجاد و افزایش انگیزه در دانش‌آموزان، باید از عوامل تأثیرگذار در این زمینه و همچنین نظریه‌های موجود و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه آگاه شد. عوامل مؤثر بر انگیزش دانش‌آموزان به چهار گروه خانوادگی، فردی، آموزشگاهی و محیطی طبقه‌بندی می‌شوند. از جمله عوامل خانوادگی مؤثر بر انگیزش دانش‌آموزان می‌توان به نظارت والدین، انتظار والدین از موفقیت فرزندان، شیوه‌ی فرزندپروری، کیفیت روابط والدین و فرزندان و وضعیت اجتماعی-اقتصادی اشاره کرد. از عوامل فردی تعیین‌کننده در انگیزش دانش‌آموزان، می‌توان به خودکارآمدی تحصیلی^۱، ادراک شایستگی^۲، ادراک کنترل^۳، اسنادها^۴، اهداف پیشرفت و نگرش نسبت به مدرسه^۵ اشاره کرد. عامل دیگر مؤثر بر انگیزش دانش‌آموزان، عوامل محیطی است که از آن جمله می‌توان به تعامل با دوستان و همسالان،

1. Academic self - efficacy

2. Perceived competence

3. Perceived control

4. Attributions

5. Attitude toward school

آینده‌ی شغلی و فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی اشاره کرد. عوامل آموزشگاهی، از دیگر عوامل تأثیرگذار بر انگیزش می‌باشد. از جمله‌ی این عوامل می‌توان به روش آموزش، برنامه‌ی درسی یا اهداف و انتظارات، وسایل آموزشی، نظام پاداش و تنبیه، حمایت عاطفی از دانش‌آموزان، افزایش احترام متقابل، اشتیاق معلم، رفتارهای معلم، افزایش تعاملات معلم و دانش‌آموز و شیوه‌ی ارزشیابی اشاره کرد (Taheri, 2010).

تلاش اغلب معلمان، به جای افزایش انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان، اغلب صرف آرام ساختن و منضبط نگه داشتن کلاس می‌شود. معلم باید زمینه‌ای فراهم کند که در آن دانش‌آموز به درگیری در فعالیت‌های یادگیری برانگیخته شود (Mosibi and Sadeghinia, 2015). از دیدگاه روانشناسان و معلمان، انگیزش یکی از مفاهیم کلیدی است که برای توضیح سطوح مختلف عملکرد به کار می‌رود و یکی از عوامل اصلی بروز رفتار است و می‌تواند به عنوان محرک فعالیت‌های انسان و عامل جهت دهنده اوتعریف کرد. افراد نه تنها از نظر میزان انگیزش متفاوتند، بلکه از نظر جهت و نوع انگیزش نیز اختلاف دارند و این تعارض در نوع انگیزش به اهداف اساسی که باعث انجام کار می‌شوند، ارتباط دارد. همچنین بی‌انگیزشی نیز اشاره به افرادی دارد که هیچ گونه انگیزه‌ای یعنی خشنودی و ارزشمندی درونی یا مشوق‌های بیرونی برای فعالیت‌های خود دریافت نمی‌کنند و در نتیجه از انجام آنها اجتناب می‌کنند (Koyuncuoglu, 2021).

هم‌چنین مفهوم انگیزش برای معلم، می‌تواند مهم‌تر از هوش یا استعداد باشد. در واقع، اگر قرار باشد هوش یا استعداد افزایش یابد، باید سازه‌های انگیزشی به کار گرفته شود. زیرا تا معلم دانش‌آموزان را برنیانگیزد، نمی‌تواند از هوش یا استعداد آنها در یادگیری استفاده کند (Samuel Ball, 1373). بسیاری از خانواده‌ها، ضعف در انگیزش نوجوانان را متوجه آموزش و پرورش و خصوصاً معلمان می‌دانند و ملاک درستی نظر خود را تفاوت عشق به آموزش در سال‌های اول ورود به مدرسه با پدیده‌ی تنفر از محیط مدرسه در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان می‌دانند (Freeston, Rheume & Ladouceur, Letarte, Dugas, 1994).

یادگیری نقش مهمی در تأثیرگذاری بر تجربه دانش‌آموزان از انگیزه دارند اما در این بین موانعی نیز وجود دارد از جمله عواملی مانند فشار مدیریتی معلمان و مدیران برای پیروی از برنامه‌های درسی تحمیلی و دستیابی به اهداف عملکردی سطوح بالا، انتظارات والدین از جمله این محدودیت‌ها هستند (King & Bunce, 2020). متأسفانه یکی از مشکلات شایع نظام آموزشی بسیاری از کشورها، پایین بودن سطح انگیزه تحصیلی در بین یادگیرندگان می‌باشد که سالانه زبان‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را متوجه دولت‌ها و خانواده‌ها می‌کند و نظام آموزشی کشورها را با افت تحصیلی مواجه می‌سازد. بنابراین جهت کم کردن خسارت ناشی از کاهش انگیزه تحصیلی باید تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه صورت بگیرد. از طرف دیگر، موضوع مهم دیگری که آموزش و پرورش ما را تهدید می‌کند مسئله ترک تحصیل دانش‌آموزان در مقطع دبیرستان می‌باشد. علاوه بر فقر مالی که بر اشتغال کودکان و نوجوانان منجر می‌شود، فقر انگیزشی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند (Mottaqi et al, 2014).

بنابراین، با ایجاد شرایطی که انگیزش دانش‌آموزان را برای یادگیری افزایش دهد و این انگیزش پایدار بماند، می‌توان به بهبود یادگیری و کاهش آمار ترک‌کنندگان تحصیل امیدوار شد. با توجه به اهمیت انگیزش، لازم است برای ایجاد یک نظام آموزشی موفق و پویا به این امر مهم توجه بیشتری شود. بر اساس تحقیقاتی که صورت پذیرفت، بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه انگیزش تحصیلی به صورت کمی می‌باشد. در صورتی که اگر بخواهیم مسأله‌ای با این پیچیدگی را مورد بررسی قرار دهیم و ماهیت آن و فرآیند شکل‌گیری را در بستر طبیعی نشان دهیم و به کنه واقعیات پی ببریم، پژوهش کیفی بیشتر به ما کمک می‌کند. هم‌چنین پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، بیشتر از منظر روان‌شناسان، نظریه‌پردازان، مدیران، صاحب‌نظران و مسئولین می‌باشد و در این دست پژوهش‌ها، بررسی انگیزش از دید و نظر دانش‌آموزان مورد غفلت واقع شده است. در حالی که تمام فعالیت‌ها و تلاش‌های آموزشی به خاطر دانش‌آموزان صورت می‌گیرد و دانش‌آموزان هستند که این فعالیت‌ها را دریافت می‌نمایند. برای آن‌که به توان واقعیات را آن‌طور که هستند بازنمایی نمود؛ باید دید دانش‌آموزان چه چیزی درک می‌کنند. از این‌رو، در این پژوهش

سعی بر آن است که این موضوع از منظر دانش‌آموزان و به صورت کیفی مورد بررسی قرار گیرد و ادراکات و تجربیات بی‌واسطه آن‌ها در خصوص اقداماتی که معلمانشان به کار بسته‌اند که در آن‌ها باعث ایجاد و یا افزایش انگیزه شده و یا بالعکس اقداماتی که باعث کاهش و یا از بین رفتن انگیزه در آن‌ها شده است؛ مورد کنکاش قرار گیرد. در پژوهش حاضر سوالات زیر مورد بررسی قرار گرفت:

۱. تجربه زیسته دانش‌آموزان در خصوص اقدامات معلمانشان که باعث ایجاد و افزایش انگیزه در آنان شده است، چیست؟
 ۲. تجربه زیسته دانش‌آموزان در خصوص اقدامات معلمانشان که باعث از بین رفتن و یا کاهش انگیزه در آنان شده است، چیست.

روش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی است، زیرا توسعه دانش کاربردی و ارائه راهکارهای سازنده به معلمان در خصوص اقدامات انگیزشی و ضد انگیزشی در فرایند یاددهی – یادگیری در مرکز توجه آن بوده است؛ و از آنجایی که مسأله پژوهش این پژوهش "تجربه زیسته دانش‌آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی و ضد انگیزشی معلمان است، تحقیق کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی است؛ چرا که تنها راه تجربه نیز توصیف فردی «تجربه زیسته»^۱ است. به منظور حفظ محیط طبیعی، مطالعه در جایی که پدیده و فرآیندهای مربوط به آن رخ داده، انجام شده است. از این رو سعی شد مدرسه‌ای که در منطقه خدمت پژوهشگر می‌باشد، انتخاب شود و همچنین با توجه به این که دانش‌آموزان این مدرسه از شاگردان قبلی پژوهشگر بوده‌اند؛ شناخت نسبی دانش‌آموزان و همچنین دارا بودن بنیه علمی خوب و داشتن قدرت بیان و استدلال بالای آنان از ویژگی‌هایی بود که این مدرسه به عنوان میدان پژوهش انتخاب شد. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت، فرایندی که چندین ماه به طول انجامید. تعداد مشارکت‌کننده‌ها در این پژوهش تا رسیدن به مرحله اشباع مجموعاً ۱۶ نفر بودند که ۵ نفر از پایه هفتم، ۵ نفر از پایه ی هشتم و ۶ نفر از پایه نهم بودند.

روش اصلی برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با سوالات باز می‌باشد؛ که برای جمع‌آوری داده‌های انعطاف‌پذیر و اکتشافی در پژوهش‌های کیفی مناسب است؛ به این ترتیب که محورهای اصلی مصاحبه‌ها مشخص گردید و سوالات پژوهشی مرتبط با محورها طرح گردید و سوالات ضمنی زیادی در حین مصاحبه برای روشن‌تر شدن تجارب مشارکت‌کنندگان مطرح گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، براساس کدگذاری (Strauss and Corbin, 1990)، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی، انجام گرفت. در گام اول پژوهش تمام مصاحبه‌ها با نهایت دقت بررسی و نکات کلیدی کدبندی شدند. پس از بررسی جمله به جمله و مشخص شدن داده‌های خام برای رسیدن به کدهای اولیه، کلیه جملات و عبارات به دقت بررسی و پیام اصلی یا مفهوم اساسی نهفته در هریک از عبارات استخراج شد. در برخی موارد اطلاع‌رسان‌ها از اصطلاحاتی استفاده می‌کردند که مستقیماً به عنوان یک کد قابل استفاده بود و در برخی موارد مفهومی در ورای جملات پنهان بود که محقق یک مفهوم را به آن نسبت داده و بصورت یک کد اولیه در نظر گرفته است. کدهای اولیه با توجه به سنجیت و یکسانی با سایر کدهای کشف شده ذیل مفهوم کلان‌تری قرار گرفته و این فرایند بارها تکرار شد تا پس از پالایش‌های مکرر کدهای اولیه به مفاهیم نیز هریک بر اساس فرایند تجانس مفهومی در قالب مفاهیم گسترده‌تر به عنوان مقوله سازماندهی شدند و همین‌طور مقولات بوجود آمده نیز بر اساس منطق مقایسه مستمر بر حسب تشابه مفهومی در سطحی مفهومی‌تر در قالب طبقات با یکدیگر تلفیق شدند.

1. lived experiences

Guba and Lincoln (1985) مفهوم «قابلیت اعتماد»^۱ را جهت دقت علمی پژوهش کیفی مطرح کردند. این مفهوم از چهار عنصر زیر تشکیل می‌شد: قابلیت اعتبار^۲، قابلیت انتقال^۳، قابلیت تأیید^۴، قابلیت اتکا^۵. آنان این چهار عنصر را برای ارزیابی روایی و دقت و استحکام علمی مطالعات و داده‌های کیفی پیشنهاد نمود. به منظور رعایت قابلیت اعتبار پژوهش سعی گردید از روش‌های مختلف هم‌چون بررسی از زوایای مختلف، تبادل نظر با هم‌تایان و تحلیل موارد منفی استفاده شود. پژوهشگر با دقت سعی کرد سوالاتی روشن و دور از ابهام طرح کند و هم‌چنین برای رسیدن به فهم پرمایه از یک موضوع به یک سوال اکتفا ننموده و چندین سوال در پیرامون آن موضوع مطرح گردید و از مشارکت‌کنندگان خواسته شد که تجارب و نظرات خود را به طور واضح در مورد معلمان بیان کنند. هم‌چنین برای باورپذیر بودن نتایج، مصاحبه‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار داده شد تا تعیین کنند که توصیفات آن منعکس‌کننده تجربیات آن‌ها هست یا خیر. از دیگر اقدامات می‌توان به گفت و گو با همکاران و برگزاری نشست‌های منظم با آنان در رابطه با طرح سوالات و پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان و استخراج مفاهیم اشاره کرد. هم‌چنین با توجه به موضوع پژوهش یعنی اقدامات انگیزشی معلمان، پژوهشگر سعی کرد تبیینات متناقض تفسیر شده در داده‌ها را با بررسی‌های مکرر حل نماید. تأییدپذیری این پژوهش از طریق مرور و بازبینی‌های دقیق و چندین باره داده‌ها، تفسیرها و یافته‌های این مطالعه حاصل گردید، هم‌چنین از کدگذار دوم نیز استفاده شد. بدین منظور گزارشات، دست‌نوشته‌های پژوهش به محقق دیگری داده شد و پس از بررسی‌های لازم هر دو کدگذار به یافته‌های مشابهی دست یافتند. صرف زمان طولانی در میدان و مشاهده مداوم، استفاده از فن کنترل نتایج و یافته‌ها توسط پژوهشگر و تأیید آن‌ها از جمله مواردی بود که میزان موثق بودن داده‌های پژوهش را به حد قابل قبولی افزایش داد.

یافته‌ها

سؤال اول پژوهش

تجربه زیسته دانش‌آموزان در خصوص اقدامات معلمانشان که باعث ایجاد و افزایش انگیزه در آنان شده‌است، چیست؟

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، سعی شد برای هر جمله و عبارت، واقعه‌ها در آورده شود. واقعه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های مصاحبه‌کننده‌ها، مفاهیم پژوهش، از یک یا چند واقعه به دست آمد. مفاهیم نیز مورد مقایسه قرار گرفت و با توجه به وجوه مشترک مفاهیم و حذف داده‌های نامرتبط، مقوله‌های اصلی پژوهش مشخص شدند. پس از تجزیه و تحلیل مقوله‌ها، مضامین پژوهش نیز مشخص شد. در رابطه با سؤال اول پژوهش، ۳ مضمون اصلی به شرح زیر استخراج شد:

1. Trust worthiness
2. Credibility
3. Transferability
4. Conformability
5. Dependability

جدول ۱: جدول مضامین، مقوله‌ها و مفاهیم اقدامات افزایش انگیزش معلمان

مضمون	مقوله	مفاهیم
ایجاد انگیزه	جلب توجه دانش‌آموزان	- استفاده از طرح سوال - استفاده از روش‌های متنوع و جذاب تدریس - استفاده از رسانه‌های مختلف آموزشی - استفاده از طنز، بازی و...
	تحریک دانش‌آموزان	- برانگیختن حس رقابت سالم در بین دانش‌آموزان - تعیین جایزه و امتیاز - بیان جملات تأثیرگذار و هشداردهنده - تحریک حس کنجکاوی (طرح یک معما و مسأله چالش برانگیز)
تداوم انگیزه	استفاده از تشویق	- تشویق در جمع - تشویق در برابر والدین - توجه به رفتار مثبت دانش‌آموزان و تشویق و گوشزد کردن آن - تشویق دانش‌آموز با ارفاق نمره - توجه‌کردن به علایق و آرزوهای دانش‌آموزان و استفاده از آن برای تشویق
	بالا بردن اعتماد به نفس دانش‌آموزان	- اهمیت دادن به نظرات دانش‌آموزان - دادن مسئولیت به دانش‌آموزان - دل‌گرم و امیدوار کردن دانش‌آموزان - شناسایی استعداد دانش‌آموزان و راهنمایی آن‌ها - توجه به تلاش و زحمت دانش‌آموزان
	بالا بردن آگاهی دانش‌آموزان	- صحبت کردن درباره آینده با دانش‌آموزان - صحبت کردن درباره مهارت‌های مفید زندگی - مثال‌زدن از تجربیات شخصی معلم - بیان اهداف آموزشی به دانش‌آموزان - دعوت از افراد متخصص و مطلع برای آشنایی به رشته خاص - بازدید از مراکز علمی و جشنواره‌ها
	درگیر کردن دانش‌آموزان	- فراهم کردن زمینه مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای آموزشی - کشاندن درس به خارج از کلاس
ماندگاری انگیزه	چشاندن احساس لذت و رضایت	- تقدیر از دانش‌آموزان به سبب بروز توانمندی‌های او - آموزش یک مهارت جدید
	چشاندن احساس کفایت و شایستگی	- بارور کردن استعداد و توانمندی‌های دانش‌آموزان - بها دادن به خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان

✓ ایجاد انگیزه

منظور از ایجاد انگیزه، مرحله‌ای است که در آن اقداماتی صورت می‌گیرد که باعث به وجود آمدن توجه، علاقه و تمرکز به موضوع درسی در دانش‌آموزان می‌شود؛ که ممکن است زود گذر و کوتاه مدت باشد این مضمون، شامل ۲ مقوله اصلی جلب توجه و تحریک دانش‌آموزان می‌باشد.

- جلب توجه دانش‌آموزان

شاید بتوان گفت اولین کاری که معلم برای برانگیختن دانش‌آموزان بایستی انجام دهد، جلب توجه آن‌ها به موضوع تدریس می‌باشد. ایجاد توجه به موضوع درس خیلی مهم است. در این پژوهش، ۴ اقدام برای جلب توجه دانش‌آموزان از نظرات و صحبت‌های دانش‌آموزان به دست آمد، که عبارت است از:

- استفاده از طرح سوال

پرسش مناسب و به موقع، اقدامی است که معلمین می‌توانند آن را چه در ابتدای تدریس و چه در پایان تدریس، برای جلب توجه دانش‌آموزان مطرح کنند؛ تا آن‌ها به موضوع درس فکر کنند و با آن درگیر شوند. واضح است که در این میان انتخاب سوال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

"بعضی از معلم‌ها مستقیم وارد تدریس نمی‌شوند و فقط از روی کتاب نمی‌خوانند مثلاً با یک سوال درس را شروع می‌کنند، این کار باعث می‌شود ما به موضوع درس توجه کنیم و با توجه بیشتری به درس گوش کنیم".
 "طرز سوال پرسیدن برخی از معلمان طوری است که ما را ترغیب به خواندن درس آینده می‌کند".

- استفاده از روش‌های متنوع و جذاب تدریس

برای جلب توجه و علاقه فراگیران به موضوع درس، می‌توان متناسب با درس و موضوع آن، روش تدریس مناسب انتخاب کرد؛ تا دانش‌آموزان با شور و علاقه به درس توجه کنند.

"معلم مطالعات ما، با داستان گویی و روش جالب تدریس می‌کنند، من اصلاً از درس تاریخ خوشم نمی‌آمد و از سلسله‌ها و پادشاه‌ها متنفر بودم. اما معلم درس را آن قدر خوب می‌دهد و با داستان و اجرای نمایش آن وقایع را تعریف می‌کند که من می‌توانم آن وقایع را تصور کنم و حتی گاهی اوقات خودم را جای شخصیت‌های تاریخی می‌گذارم و این باعث می‌شود تا مطالب خوب در ذهنم بماند و دیگر کلاس برایم خشک و خسته‌کننده نیست".

- استفاده از رسانه‌های مختلف آموزشی

استفاده از رسانه‌های آموزشی علاوه بر این که کار را برای معلم راحت می‌کند، در یادگیری دانش‌آموزان نیز تاثیرگذار است. هم‌چنین کلاس را از یکنواختی در می‌آورد. تنوع آن‌ها نیز باعث می‌شود که دانش‌آموزان، بتوانند با توجه و علاقه‌ی بیشتری درس را فرا گیرند. در این باره یکی از دانش‌آموزان این گونه بیان کرده است:

"معلم مطالعات، خیلی خوب تدریس می‌کنند با یک پاورپونت، چندین صفحه را به راحتی توضیح و خلاصه می‌کند و درس را کاملاً می‌فهمیم و امتحان را همان لحظه می‌گیرد و اکثر بچه‌ها نمره‌ی کامل می‌گیرند. هم‌چنین استفاده از میز شنی، نقشه‌های اینترنتی و به روز و سایت هواشناسی، باعث می‌شود، جذابیت درس برایمان بیشتر شود و با انگیزه بیشتری درس بخوانیم".

- استفاده از طنز، شعر و بازی

دانش‌آموزان از کلاس‌ها خشک و بی روح گریزانند.

"معلم ریاضی، ایشان خیلی خوش‌اخلاق هستند و وقتی می‌بینند بچه‌ها سر کلاس خسته شدند، شوخی می‌کنند تا جو کلاس عوض شود و توجه ما به درس بیشتر شود. ما هم سر کلاس ایشان راحت هستیم و اگر نکته خنده‌داری بگوییم، ضایع‌مان نمی‌کنند".

- تحریک دانش‌آموزان

معلم می‌تواند از طریق تحریک حس کنجکاوی، رقابت و یا استفاده از جملات تحریک‌کننده و تاثیرگذار، در دانش‌آموزان ایجاد انگیزه کند. برای این مقوله، ۴ اقدام برای تحریک دانش‌آموزان از مصاحبه‌های دانش‌آموزان استخراج شد که عبارت است از:

- برانگیختن حس رقابت سالم بین دانش‌آموزان

ایجاد فضای رقابتی در کلاس، دانش‌آموزان را به انجام فعالیت و همکاری تحریک می‌کند و این امر باعث می‌شود یادگیری با شور و علاقه صورت گیرد.

"یکی از معلم‌های ما، در هنگام پرسش کلاسی، بچه‌ها را گروه‌بندی می‌کند سوال‌های مهم درس را روی تخته می‌نویسد و زمان می‌دهد و گروه‌ها باید به آن سوال‌ها پاسخ بدهند و نمره‌ی آن به صورت گروهی در نظر گرفته می‌شود. با این کار، حتی دانش‌آموزان ضعیف هم که علاقه‌ای به درس ندارند نیز تحریک شده و با ما هم‌کاری می‌کنند و ما اصلاً نمی‌فهمیم زمان چگونه می‌گذرد و درس نیز یک بار کامل دور می‌شود".

- بیان جملات تاثیرگذار و هشداردهنده

گاهی ممکن است شنیدن جمله‌ای، حکایتی، بیتی و یا نصیحتی، آن قدر روی یک نفر تاثیرگذار باشد که مسیر زندگی او را تغییر بدهد و انگیزه لازم برای طی مسیر طولانی و سخت را برایش فراهم سازد. "مثلاً یک جمله‌ای که روی من تاثیر گذاشته این بوده که "درس بخوانید تا خودتان انتخاب کنید نه این که انتخاب بشوید" از آن روز به بعد من با انگیزه‌ی بسیار زیاد درس می‌خوانم تا بتوانم در رشته‌ای که علاقه دارم ادامه تحصیل بدهم و سرنوشت زندگیم را خودم به عهده بگیرم."

- تحریک حس کنجکاوی دانش‌آموزان

حل مسائل چالش برانگیز، استثنائات علمی و معماها باعث تحریک حس کنجکاوی دانش‌آموزان می‌شود و دانش‌آموزان را تحریک می‌کند که با انگیزه سراغ کشف آن‌ها بروند. "معلم علوم ما، ابتدای تدریس خود یک قانون علمی را که همه می‌دانند را می‌گویند و بعد یک آزمایش که خلاف آن را نشان می‌دهد را انجام می‌دهند و یا یکی از استثنائات را طوری بیان می‌کنند که همه‌ی ما متعجب می‌شویم و ما را کنجکاو می‌کنند و می‌خواهند در مورد آن نظرمان را بگویم. همه‌ی نظرات را می‌شنوند. به همه‌ی سوالات ما در این زمینه جواب نمی‌دهند و بچه‌ها را به شک می‌اندازند نمی‌گویند چه کسی درست می‌گوید و چه کسی اشتباه. خوب که ما را به جان هم انداختند و ما را کنجکاو کردند از ما می‌خواهند درباره‌ی آن تحقیق کنیم و جواب این معما را به دست آوریم."

✓ تداوم انگیزه

منظور از تداوم انگیزه، مرحله‌ای است که در آن اقداماتی صورت می‌گیرد که سبب می‌شود؛ انگیزه ایجاد شده در دانش‌آموزان زودگذر و موقتی نباشد و ادامه پیدا کند. در این مرحله نیز انگیزه بیشتر به صورت بیرونی می‌باشد. برای این مضمون ۴ مقوله مشخص شد که در زیر بیان شده است:

- استفاده از تشویق

برای این مقوله ۵ مفهوم شناسایی شد.

- تشویق کلامی در جمع

هیچ کس نمی‌تواند تاثیری که تشویق بر پیشرفت دانش‌آموزان می‌گذارد را انکار کند. "من یک هفته تکالیف ریاضی را قبل از این که معلم بگوید به طور کامل انجام دادم. معلم، سرکلاس گفت: "شما باید به وجود همچین دوستی افتخار کنید". این تشویق کلامی او در جمع باعث شد که من احساس خیلی خوبی داشته باشم و سعی کنم به طور منظم تکالیفم را انجام دهم."

- تشویق در برابر والدین

تعریف و تشویق دانش‌آموز جلوی والدین او، خواه در حضور دانش‌آموز و خواه در غیاب او، در بالا بردن انگیزه او خیلی مؤثر است. "یکی از معلم‌هایم در جلسه دیدار با اولیاء از من پیش مادرم تعریف کرد و گفتند نسبت به قبل خیلی بهتر شده است، من احساس خیلی خوبی پیدا کردم و تصمیم گرفتم بیشتر تلاش کنم و درس بخوانم تا دفعه بعد بیشتر از من تعریف کند."

- توجه به رفتار مثبت دانش‌آموزان و تشویق و گوشزد کردن آن

یکی از راه‌هایی که باعث تکرار رفتار خوب در دانش‌آموزان می‌شود، توجه و تشویق کردن آن رفتارها می‌باشد. "معلم تفکر، بیشتر خوبی‌ها و نکات مثبت رفتاری بچه‌ها را می‌بیند و مرتباً آنها را گوشزد می‌کند. در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف توانمندی‌ها و خوبی‌های بچه‌ها را بیان می‌کند، مثلاً وقتی که می‌خواهیم سوالات را جواب بدهیم و دستانمان را بالا می‌آوریم به جای این که اسم مان را بگویند، می‌گویند: "شما که نقاشیت خوبه، بگو". و یا "شما که قرآن حفظی، بگو."

- توجه کردن به علایق و آرزوهای دانش‌آموزان و استفاده از آن برای تشویق

دانستن علایق دانش‌آموزان و استفاده از آن برای تشویق باعث می‌شود که دانش‌آموزان، احساس کنند که معلمشان آن‌ها را درک می‌کند و به علایق و آرزوهایشان احترام می‌گذارد.

"همه می‌دانند که من دوست دارم دکتر شوم، یکی از معلم‌های من وقتی نمره زبانم را بد گرفتم زیر برگه ام نوشت که خانم دکترها بیشتر تلاش می‌کنند و این حرف ایشان به من روحیه داد و من سعی کردم که درس را بهتر بخوانم. هم‌چنین هر وقت نمره‌ی خوبی می‌گیرم معلم می‌گوید: "آفرین خانم دکتر"."

- اهمیت دادن به نظرات دانش‌آموزان

اهمیت دادن به حرف و نظر دانش‌آموزان، در بالا بردن اعتماد به نفس آن‌ها مؤثر است. "معلم تفکر ما، به نظرات تک تک دانش‌آموزان اهمیت می‌دهد مثلاً زمانی که رأی‌گیری می‌کند، پس از اجرای رأی اکثریت، نظرات سایر دانش‌آموزان را که رأی کمتری داشتند را نیز در زمان‌های دیگر اجرا می‌کند هرچند که یک نفر باشد"

- دادن مسئولیت به دانش‌آموزان

دانش‌آموزان دوست دارند در کلاس مسئولیتی به‌عهده داشته باشند، اگر بتوانند از پس این مسئولیت برآیند، در بالا رفتن اعتماد به نفس آنان خیلی مؤثر است و احساس می‌کنند، خودکارآمد و مفید هستند. "معلم علوم، همه مسئولیت کلاس را به من سپرده بود و هر کاری داشت به من می‌داد و من حس خوبی به این موضوع داشتم، من هم به خاطر این که ایشان را دوست داشتم به درس علوم هم علاقه‌مند شدم و تصمیم گرفتم علوم تجربی بخوانم".

- دل‌گرم و امیدوار کردن دانش‌آموزان

معمولاً دانش‌آموزان پس از شکست و یا به‌دست نیامدن نتیجه مطلوب دچار ناامیدی و یأس می‌شوند و ممکن است اعتماد به نفس آنان کم شود. "معلم علوم، خیلی اخلاق خوبی دارند و بچه‌ها را خیلی دوست دارند. من یک بار نمره/م بد شد، گفت عیب نداره. تو می‌تونی جبران کنی. این کارشان باعث شد که من ناامید نشوم و ایشان را خیلی دوستش داشته باشم و انگیزه‌ی بیشتری برای درس خواندن پیدا کنم".

- شناسایی استعداد دانش‌آموزان و راهنمایی آنان

شناخت استعداد و توانمندی‌ها دانش‌آموزان، تشویق آنان و فراهم کردن زمینه‌ی لازم برای باروری آن استعداد و توانایی، باعث می‌شود دانش‌آموز خود و توانمندی خود را باور کند.

"معلم فارسی، من را جلوی همه‌ی بچه‌ها تشویق کرد و گفت نسبت به قبل خیلی پیشرفت کردی و توی درس فارسی استعداد داری و به خوبی آن را درک می‌کنی و شفاهی‌ات خیلی خوب است و می‌تونی المپیاد شرکت کنی. من هم خیلی امیدوار شدم و درس فارسی را بیشتر از قبل دوست داشتم و انگیزه بیشتری پیدا کردم".

- بالا بردن آگاهی دانش‌آموزان

یکی دیگر از اقداماتی که در ایجاد و تداوم انگیزه دانش‌آموزان می‌تواند مؤثر باشد، اقداماتی است که آگاهی‌دهنده می‌باشد. اگر دانش‌آموز بداند که چه می‌کند و دلیل انجام فعالیت‌هایش چیست، با میل و رغبت بیشتر آن‌ها را انجام می‌دهد و فعالیت‌هایش را با هوشمندی بیشتر و میزان خطای کمتر انجام می‌دهد.

- صحبت کردن درباره آینده با دانش‌آموزان

وقتی برای دانش‌آموزان از آینده صحبت می‌کنیم، آن‌ها می‌توانند با دید بازتر و وسیع‌تری به اطراف خود نگاه کنند، اهداف دراز مدت خود را تعیین کنند و طبق آن به تلاش بپردازند.

"مثلاً یکی از معلم‌ها با من صحبت کردند که زبان خیلی مهم است و در آینده بسیار تأثیرگذار است من هم چند ترم زبان رفتم با وجودی که تکالیفمان بسیار زیاد بود و ما وقت کمی داشتیم اما چون به این نتیجه رسیده بودم که باید زبانم بهتر شود سختی آن را تحمل کردم. الان زبانم خیلی خوب شده است و امیدوارم در رشته‌ای که می‌خواهم در آینده در دانشگاه بخوانم، موفق شوم".

- درباره مهارت‌های مفید زندگی صحبت کردن

متأسفانه در بین دانش‌آموزان، برخی از دروس، با وجود اهمیت زیاد آن‌ها و کاربرد آن در زندگی ارزش کمتری دارند و برای آن‌ها وقت کمتری صرف می‌کنند و بیشتر سعی می‌کنند دروسی چون ریاضی و علوم و... را بخوانند. "یکی از معلمین ما، در مورد مهارت‌های زندگی صحبت کردند که برای ما مفید است، ایشان ما را قانع کردند که علاوه بر درس یک سری مهارت را هم باید فرا بگیریم. از آن روز به بعد درس هنر و آمادگی دفاعی، تفکر و سبک زندگی و کار و فناوری که قبلاً برایم بی‌اهمیت بودند را جدی گرفتم، حتی در تابستان نیز سعی کردم بعضی از مهارت‌ها را ادامه دهم."

- مثال زدن از تجربیات شخصی معلم

معلم، همواره برای دانش‌آموز به مثابه‌ی الگو می‌باشد. حرف و عمل او برای او بسیار مهم و تأثیرگذار است. "یکی از معلمین ما، موقعی که دیدند ما درس نمی‌خوانیم و خیلی بی‌انگیزه و بی‌تفاوت هستیم، گفتند من هم مثل شما یک روز پشت این صندلی‌ها نشسته بودم و هم‌زمان سه زبان را می‌خوانم و تصمیم گرفتم که آن قدر خوب درس بخوانم که در همین مکان تدریس کنم. آن قدر تلاش کردم که موفق شدم. این برای من جالب بود و من هم می‌خواهم در آینده زبان بخوانم."

- دعوت از افراد متخصص و مطلع برای آشنایی به رشته‌ی خاص

دعوت از افراد متخصص مخصوصاً کسانی که در رشته و کار خود موفق هستند، باعث می‌شود دانش‌آموزان با رشته‌های مختلف آشنا شوند و به آن‌ها علاقه‌مند شده و انگیزه‌ی لازم برای رسیدن به آن را پیدا کنند. "معلم علوم ما از یکی از اولیا که در رشته داروسازی تحصیل کرده بود، دعوت کردند که به کلاس ما بیایند و برای ما از رشته خود و بازار کار آن توضیح دهند؛ صحبت‌های ایشان باعث شد من این رشته را بیشتر بشناسم و به این رشته علاقه‌مند شوم و با جدیت بیشتر به درس‌هایم بپردازم چون که قبول شدن در رشته‌ی داروسازی آسان نیست."

- بازدید از مراکز علمی و جشنواره‌ها

بازید از مراکز علمی و جشنواره‌ها، دانش‌آموزان را از نزدیک با رشته‌های مختلف و کاربرد آن‌ها آشنا می‌کند و آن‌ها می‌توانند با پی بردن به علاقه‌ی خود، رشته‌ی تحصیلی خود را انتخاب کرده و برای رسیدن به آن با انگیزه بیشتر به تلاش بپردازند.

"سال قبل از طرف مدرسه ما را به دانشگاه فردوسی بردند و در جشنواره علوم شرکت کردیم، در آن جا آزمایشات جالبی انجام دادند که برایم خیلی جالب بود و احساس کردم به درس علوم خیلی علاقه‌مندم. از آن به بعد علوم را با لذت بیشتری می‌خوانم و سعی می‌کنم تا آزمایشات کتاب را انجام دهم و کتاب‌های غیردرسی مرتبط با موضوع درس را نیز مطالعه می‌کنم."

- فراهم کردن زمینه مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی

با مشارکت دادن دانش‌آموزان در تمامی مراحل آموزش، دانش‌آموز خود را منفعل احساس نمی‌کند و با شور و انگیزه طالب یادگیری می‌شود.

"معلم فارسی ما، در تدریس خودشان بچه‌ها را مشارکت می‌دهند و خودشان تنها صحبت نمی‌کنند، مثلاً یک بیت شعر می‌نویسند و بچه‌ها در مورد آن صحبت می‌کنند و اگر دانش‌آموزی وسط کلاس تکه بیندازد، دعوا نمی‌کنند و بچه‌ها درگیر درس و موضوع می‌شوند و راحت نظرات خود را در مورد موضوع بیان می‌کنند."

- کشاندن درس به خارج از کلاس

یادگیری صرفاً در کلاس درس صورت نمی‌گیرد. اگر تدریس به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز آن قدر غرق درس شود که پس از پایان کلاس و خارج از مدرسه نیز به موضوع تدریس بیندیشد و در پی یادگیری بیشتر باشد، یادگیری کامل صورت می‌پذیرد.

"معلم علوم، مفاهیم علوم را با مثال‌هایی که ما در زندگی سروکار داریم، توضیح می‌دهند و از ما می‌خواهند برای جلسه بعد ما هم مثال‌هایی از اطرافمان برای آن موضوع پیدا کنیم و در کلاس مطرح کنیم. این باعث می‌شود که ما درگیر آن درس شویم و خارج از کلاس هم به آن فکر کنیم. اگر مطلبی را فهمیدیم با شور و علاقه در کلاس مطرح می‌کنیم و معلم و بقیه دانش‌آموزان درباره آن نظر می‌دهند. آن قدر خوب توضیح می‌دهند که اگر همان‌جا امتحان بگیرند اکثر بچه‌ها نمره خوبی می‌گیرند".

✓ ماندگاری انگیزه

سومین مضمون اقدامات انگیزشی معلمان، ماندگاری انگیزه می‌باشد. منظور از ماندگاری انگیزه، مرحله‌ای است. برای این مضمون، ۲ مقوله مشخص شده است که در زیر بیان می‌شود:

چشاندن احساس لذت و رضایت

وقتی دانش‌آموزان حس لذت و رضایت را درک کنند دیگر نیازی نیست که آنان را برای یادگیری برانگیزانیم. آن‌ها خود به سبب لذت و رضایتی که دارند، تلاش می‌کنند و انگیزه‌ی آن‌ها درونی می‌شود.

- تقدیر از دانش‌آموزان به سبب بروز توانمندی‌هایشان

وقتی دانش‌آموزان به سبب کسب موفقیت تقدیر می‌شوند، حس افتخار و رضایت ناشی از تقدیر و شناخته شدن، باعث می‌شود که برای ادامه راه خود امیدوار شده و انگیزه‌ی لازم برای ادامه راه را پیدا کنند. در این‌باره یکی از دانش‌آموزان چنین گفته است:

"من در المپیاد علوم رتبه اول را کسب کردم. اسم من را روی بنر چاپ کردند و جلوی مدرسه نصب کردند. وقتی برای اولین بار اسمم را روی بنر دیدم، حس خیلی خوبی داشتم. با وجودی که می‌دانستم که در درس علوم خوب هستم ولی موفقیت در المپیاد و دیدن اسمم به عنوان افتخارآفرین، من را مصمم کرد تا در رشته شیمی ادامه تحصیل بدهم. با وجودی که خانواده‌ام اصرار داشتند که من ریاضی را ادامه بدهم".

- آموزش مهارت مفید

کسب یک مهارت مفید، خود به خود ایجاد لذت و رضایت در دانش‌آموزان می‌کند. وقتی دانش‌آموز می‌بیند از دانش و مهارت خود می‌تواند استفاده کند و برایش مفید و سودمند است، انگیزه‌ی لازم برای ادامه راه را به دست می‌آورد.

"من اصلاً هنر را دوست نداشتم، معلم هنر ما خودشان هنرمند هستند و با شور و اشتیاق در مورد کارهای هنری صحبت می‌کنند، من هم به هنر علاقه‌مند شدم در زنگ ایشان من خودم را هنرمندی خارق‌العاده احساس می‌کنم. مثلاً من اصلاً گلیم بافی را دوست اما الان واقعاً به گلیم بافی علاقه‌مند شدم. با وجودی که فقط یک کار برای کلاس کافی بود من کارهای بسیار زیبایی بافتم که در نمایشگاه مدرسه با قیمت خوبی به فروش رفت".

- چشاندن احساس کفایت و شایستگی

وقتی دانش‌آموزان در خود احساس کفایت و شایستگی کنند، اعتماد به نفسشان بالا می‌رود و انگیزه‌ی آنان درونی می‌شود و استقامت و خلاقیت در آن افزایش می‌یابد و به خودشکوفایی می‌رسند. در زیر به اقداماتی که باعث چشاندن این احساس در دانش‌آموزان می‌شود، می‌پردازیم:

- بها دادن به خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان

وقتی دانش‌آموز به سبب ارائه راه حل جدید مورد تشویق قرار می‌گیرد، اعتماد به نفسش افزایش می‌یابد و به خودباوری می‌رسد و با انگیزه بیشتر به پردازش مطالب می‌پردازد

"یک بار من برای یک مسأله ریاضی راه حل جدیدی پیدا کردم. معلم ریاضی ما متوجه شد من آن مسأله را سریع‌تر حل می‌کنم. از من راه حل را پرسید و از من خواست آن را پای تخته برای بچه‌ها توضیح دهم. از آن زمان به بعد من به درس ریاضی علاقه‌ی عجیبی پیدا کردم و مسایل را برای خودم باز می‌کنم و سعی می‌کنم راه‌حل‌های بهتر برای حل آن‌ها پیدا کنم".

سؤال دوم پژوهش

تجربه زیسته دانش‌آموزان در خصوص اقدامات معلمانشان که باعث کاهش و از بین رفتن انگیزه در آنان شده است، چیست؟

در مورد سوال دوم پژوهش، ۳ مضمون اصلی به دست آمد که در در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: جدول مضمون، مقوله و مفاهیم اقدامات کاهنده انگیزش معلمان

مضمون	مقوله	مفاهیم
اقداماتی که باعث احساس عدم ارتباط مناسب می‌شود	برخورد شدید در برابر خطای دانش‌آموزان	- سرزنش کردن و یادآوری مکرر خطای دانش‌آموزان - ایراد دانش‌آموزان را با صدای بلند گفتن - مسخره کردن دانش‌آموزان - تهمت زدن به دانش‌آموزان - استفاده از کلمات بی‌ادبانه و توهین‌آمیز - تحقیر کردن دانش‌آموزان
	اهمیت ندادن به دانش‌آموزان	- اهمیت ندادن به حرف دانش‌آموزان - بی‌توجهی و برخورد نامناسب در برابر احساسات دانش‌آموزان - عدم توجه و اهمیت به راه‌حل‌های جدید دانش‌آموزان - اهمیت ندادن به انتخاب دانش‌آموزان و مجبور کردن به انجام کار
	عدم آراستگی معلم	- پوشش نامناسب - داشتن اشکالات فیزیکی - ظاهر نامطلوب
	کنترل و اجبار معلمان	- جریمه دادن غیر عادلانه - رفتارهای پرخاشگرانه - عدم نظر خواهی از دانش‌آموزان در امور کلاسی و فعالیت‌های درسی
	فخر فروشی	- بزدادن و تعریف از خود - خود را برتر و مؤمن دانستند
اقداماتی که باعث احساس عدم کفایت می‌شود	دادن تکلیف بیش از توان دانش‌آموزان	- بدون در نظر گرفتن حجم زیاد و زمان کافی - بدون در نظر گرفتن هزینه‌ی زیاد تکلیف - دادن تکلیف خیلی دشوار
	عدم علاقه معلمان به مدیریت و کلاس‌داری	- عدم توانایی معلمان در ایجاد تنوع در محیط آموزشی - ایجاد فضای یکنواخت و کسل شدن کلاس - ضعف معلمان در مدیریت زمان، مواد و منابع آموزشی - ضعف در نظارت بر یادگیری دانش‌آموزان - ضعف معلمان در کنترل هیجانات منفی و مثبت دانش‌آموزان
	ایجاد ترس و استرس در دانش‌آموزان	- سخت‌گیری بیش از اندازه و بی‌دلیل - استرس وارد کردن به دانش‌آموزان در هنگام ارزشیابی
	عدم تدریس مطلوب	- روش تدریس نامناسب - نداشتن فن بیان خوب - جدی نگرفتن درس و شل گرفتن درس توسط معلم
	عدم رعایت عدالت در کلاس	- تبعیض قائل شدن بین دانش‌آموزان - عدم عدالت در ارزیابی‌ها - قضاوت ناصحیح - عدم توجه به تفاوت‌های فردی و توانمندی فردی دانش‌آموزان
عدم اعتماد می‌شود	عدم رازداری معلم	- اطلاع به دفتر - اطلاع به والدین

✓ اقداماتی که باعث احساس عدم ارتباط مناسب می‌شود.

در زیر ۴ اقدامی که از مصاحبه‌های دانش‌آموزان استخراج شده و باعث عدم برقراری ارتباط مناسب بین دانش‌آموزان و معلم می‌شود، آورده شده است:

– برخورد شدید و نامناسب در برابر خطای دانش‌آموزان

هیچ کس عاری از خطا و اشتباه نیست. نقش تربیتی معلم در هنگام مشاهده‌ی خطای دانش‌آموزان، بسیار مهم است. در زیر به برخی از برخوردهای نامناسب که سبب کاهش انگیزه در دانش‌آموزان شده است، اشاره می‌کنیم:

– سرزنش کردن و یادآوری مکرر خطای دانش‌آموزان

یکی از برخوردهای نامناسب در برابر خطای دانش‌آموزان، سرزنش کردن و یادآوری مکرر آن می‌باشد. "معلمم به خاطر خطایی که من یک بار انجام دادم، من را مرتب سرزنش می‌کرد و در سر کلاس دائم آبروی من را می‌برد. برای همین نسبت به ایشان و درسشان بی تفاوت شده بودم و نمی‌خواستم اصلاً فارسی بخوانم. هر وقت کتاب فارسی را باز می‌کردم، یاد سرزنش‌های او می‌افتادم و کتاب را می‌بستم."

"معلم ما اگر اشتباهی کرده باشیم دائم آن را تکرار می‌کنند. مثلاً یک بار که بچه‌ها درباره کلاس به دفتر اطلاع داده بودند، دائم این را می‌گفتند و تو سر ما می‌زدند."

– ایراد دانش‌آموزان را با صدای بلند گفتن

از برخوردهای اشتباه دیگری که در برابر خطاهای دانش‌آموزان صورت می‌گیرد، فاش کردن آن با صدای بلند می‌باشد. "اگر کار دانش‌آموزی کمی بد بود با صدای بلند ایراد کار او را می‌گفت بدون این که شرایط او را در نظر بگیرد. نمره‌ها را بلند وسط کلاس می‌خواند و من نمی‌خواستم نمره‌ی من را کسی بداند. من از این کار خیلی ناراحت می‌شدم و آن معلم را دوست نداشتم."

– مسخره کردن دانش‌آموزان

مسخره کردن دانش‌آموزان، یکی از برخوردهای ناشایست و نامناسب در برابر خطای آنان می‌باشد. "یکی از معلم‌ها به یکی از بچه‌ها که لباسش را نشسته بود، تذکر داد و به او گفت مگر ماشین لباس‌شویی نداری که لباست کثیف است و او را جلوی بچه‌های کلاس ضایع کرد. به نظر من این کار در شأن یک معلم نبود و نظرم خیلی نسبت به ایشان عوض شد و یک بار یکی از بچه‌ها به جای این که بگوید، اشتباه کردم گفت ازدواج کردم، چندین بار او را مسخره کردند و وقتی او می‌خواست جواب دهد، "می‌گفت تو که قصد ازدواج داری، جواب نده". ایشان با مسخره کردن بچه‌ها، سعی در عوض کردن جو کلاس دارند."

– استفاده از کلمات بی ادبانه و توهین آمیز

استفاده از کلمات توهین آمیز، برای معلم بسیار زشت و ناپسند می‌باشد. "مثلاً یک بار برای گرفتن رضایت نامه به دفتر رفتم، خیلی با من بد برخورد کردند و گفتند که شما یا کور هستید و یا بی شعورید که نمی‌فهمید که چه موقع باید بیایید، ما باید چند بار یک حرف را تکرار کنیم. من شوکه شدم و اصلاً انتظار چنین برخوردی را نداشتم. یک دفعه نظرم نسبت به آن معلم عوض شد و دیگر به دیده‌ی احترام به او نگاه نمی‌کردم و درسش را نمی‌خواندم و سر کلاسش به او نگاه نمی‌کردم."

– بی توجهی و برخورد نامناسب در برابر احساسات دانش‌آموزان

برخورد مناسب در برابر ابراز احساسات دانش‌آموزان و بروز تعلق خاطر داشتن به آنان، در ایجاد رابطه خوب بین معلم و دانش‌آموزان کمک می‌کند

"یکی از بچه‌ها به ایشان گفتند که من شما را خیلی دوست دارم، ایشان گفتند که من به دوست داشتن شما احتیاجی ندارم. این برخورد ایشان روی من تأثیر بدی گذاشت و من فکر کردم ایشان خیلی مغرور هستند."

– عدم توجه و اهمیت به راه‌حل‌های جدید دانش‌آموزان

عدم توجه به خلاقیت و راهکارهای جدید دانش‌آموزان، انگیزه آنان را به تلاش بیشتر و یافتن راه‌های جدید کاهش می‌دهد

"اگر راه‌حل جدیدی بدهیم، می‌گویند من قبلاً این راه را گفتم و یا به اسم خودش تمام می‌کند و ذوق و اشتیاق را در من کور می‌کند. در صورتی که معلم سال قبل من را خیلی تشویق می‌کرد. دیگر تصمیم گرفتم سر کلاس ایشان فعالیت نکنم".

– اهمیت ندادن به انتخاب دانش‌آموزان و مجبور کردن به انجام کار

معلم مستبد و خودرأی، نمی‌تواند عملکرد موفق‌تری داشته باشد، او نمی‌تواند ارتباط خوبی با دانش‌آموز برقرار کند و حس لجبازی را در آنان بیدار می‌کند و انگیزه‌ی آنان را برای انجام فعالیت‌ها کاهش می‌دهد.

"یک بار معلم‌مان، ما را مجبور کرد کاری را انجام دهیم و من هم لجبازی کردم و آن کار را انجام ندادم. ایشان گفتند اگر این کار را نکنی نمره ورزشت را کم می‌دهم. اما برای من مهم نبود".

– پوشش نامناسب

طرز لباس پوشیدن معلم، انتخاب مدل و رنگ لباس و هماهنگی بین لباس‌ها خیلی مهم است.

"ظاهر معلم، مثلاً طرز لباس پوشیدن، نحوه آرایش کردن معلم نیز خیلی مؤثر است. به طور نمونه، چون پوشش معلم شیمی ما مناسب نیست، همیشه مورد تمسخر دانش‌آموزان می‌باشد و ارزشش را در بین آنان از دست داده است و دانش‌آموزان به او اهمیت نمی‌دهند و درسش را نمی‌خوانند و جدی نمی‌گیرند".

– داشتن اشکالات فیزیکی

داشتن اشکالات فیزیکی و یا نقص عضو اگر در ناحیه‌ای باشد که در تدریس اثرگذار باشد، باعث اختلال در تدریس و عدم برقراری ارتباط مناسب می‌شود. یکی از دانش‌آموزان در مصاحبه‌ی خود در این باره، چنین اظهار کرده است:

"یکی از معلم‌های ما با وجودی که اطلاعات زیادی داشتند، اما خوب نمی‌توانستند توضیح بدهند، ایشان در قسمت فک خود هم کمی مشکل داشتند و جوری درس می‌دادند که برای ما سنگین و نامفهوم بود. والدین ما خیلی اعتراض کردند ولی گفتند تا پایان سال باید تحمل کنید. آن سال، ما در آن درس خیلی عقب افتادیم و خوب درس یاد نگرفتیم".

– ظاهر نامطلوب

علاوه بر پوشش مناسب، ظاهر آراسته و مطلوب نیز در برقراری ارتباط مناسب و ایجاد انگیزه مؤثر است.

"اگر معلم نامرتب باشد من تمرکز را از دست می‌دهم و روی اعصابم است و همش مثلاً فکر می‌کنم که چرا مقعده‌اش کج است و درست نمی‌کند".

– پزدادن و تعریف از خود

تعریف از خود و به اصطلاح پزدادن، باعث ایجاد حس بدی در دانش‌آموزان می‌شود و آنان را از معلم خود دور می‌کند و مانع برقراری ارتباط مناسب بین آنان می‌شود.

"برخی از معلم‌ها پز می‌دهند و از بالا به ما نگاه می‌کنند و از خودشان تعریف می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند من کلی مانع دارم، من از فلان خانواده هستم؛ باعث می‌شود که من از ایشان بدم می‌آید و حس خوبی نسبت به ایشان و درسشان نداشته باشم و انگیزه‌ام برای خواندن را از دست بدهم".

– خود را برتر و مؤمن دانستن

خود را مؤمن دانستن و تفاخر به ایمان، نیز از برقراری ارتباط مناسب بین دانش‌آموزان و معلم جلوگیری می‌کند.

"یکی از معلم‌های ما، چون خودشان خیلی مذهبی هستند، خودشان را خیلی بهتر و مؤمن‌تر از ما می‌دانند و اگر کسی اشتباهی بکند، او را بی‌دین می‌داند و به دیده‌ی بد به او نگاه می‌کند؛ مثلاً یک بار که بچه‌ها خطایی انجام دادند گفتند شما لیاقت شنیدن حرف‌های من را ندارید و لیاقت درس خواندن در مدرسه امام رضا (ع) را ندارید".

✓ اقداماتی که باعث احساس عدم کفایت می‌شود

وقتی دانش‌آموزان احساس کفایت و خودکارآمدی نداشته باشند، نسبت به توانمندی‌های خود شک دارند در زیر، اقداماتی که این احساس را دانش‌آموزان ایجاد می‌کند و از مصاحبه‌های دانش‌آموزان استخراج شده، آورده شده است:

– دادن تکلیف بیش از توان دانش‌آموزان

دادن تکلیف بیش از توان دانش‌آموزان باعث می‌شود، آنان نتوانند به خوبی از عهده‌ی تکلیف محول شده برآیند و در نتیجه احساس دل‌زدگی و خستگی می‌کنند و اعتماد به نفسشان کاهش می‌یابد.

– بدون در نظر گرفتن حجم زیاد و زمان کافی برای انجام تکلیف

حجم زیاد تکلیف بدون در نظر گرفتن توان و زمان کافی برای انجام آن، باعث خستگی بیش از حد در دانش‌آموزان می‌شود:

"معلم کار و فناوری، کارهای عملی زیاد در زمان‌های کم از دانش‌آموزان می‌خواست بدون در نظر گرفتن توان و زمان بچه‌ها و درس‌های دیگری که داشتند. برای همین ما همیشه استرس داشتیم که شاید نرسیم تکالیفمان را انجام دهیم. آخر سال نیز انگیزه و علاقه خود را برای انجام کار از دست داده بودیم و فقط می‌خواستیم رفع تکلیف کنیم."

– بدون در نظر گرفتن هزینه‌ی زیاد تکلیف

یکی دیگر از عواملی که باعث کاهش انگیزه در دانش‌آموزان می‌شود، دادن تکلیف با هزینه‌ی بالاست که آن‌ها نتوانند به راحتی از عهده‌ی تهیه آن برآیند:

"کارهای عملی بعضی از معلمین هزینه زیادی دارد و آن‌ها بدون در نظر گرفتن مشکلاتی که این کارها برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند، در یک ترم چندین کار پرهزینه می‌دهند."

– ایجاد ترس و استرس در دانش‌آموزان

بدیهی است که یادگیری در محیطی امن و فاقد اضطراب و استرس صورت می‌گیرد. معلم خوب سعی در از بین بردن استرس و اضطراب دانش‌آموزان دارد.

– استرس وارد کردن به دانش‌آموزان در هنگام ارزشیابی

مورد ارزیابی قرار گرفتن، استرس زاست. اما اگر استرس و اضطراب بیش از اندازه باشد، می‌تواند مشکل ایجاد کند. "سر امتحان علوم استرس دارم، می‌لرزم و گریه می‌کنم و او هم می‌گوید گریه کن! گریه کن! و من استرسم بیشتر می‌شود. اگر هم یکی از بچه‌ها برای یکی از سؤالات اعتراض کند، می‌گوید برو پیش معاون مدرسه تا نمره منفی به تو بدهد."

– عدم تدریس مطلوب

وقتی تدریس به خوبی صورت نمی‌گیرد و اهداف آموزشی به طور کامل انتقال پیدا نمی‌کند؛ دانش‌آموزان نیز نتیجه مطلوبی به دست نمی‌آورند.

– روش تدریس نامناسب

روش تدریس‌های یکنواخت و ملال‌آور، عاملی در خستگی و دل‌زدگی دانش‌آموزان از کلاس درس و عدم توجه آنان به تدریس و روی آوردن به فعالیت‌های غیر مفید است:

"معلم مطالعات ما فقط کنفرانس می‌گیرد انگار روش تدریس دیگری جز کنفرانس وجود ندارد. از اول سال هیچی از مطالعات نفهمیدم. هر چی یاد گرفتم خودم خواندم. دیگر مطالعات را دوست ندارم و نمی‌خواهم آن را بخوانم."

– نداشتن فن بیان خوب

فن بیان خوب، در تدریس اثربخش مؤثر است.

"یکی از معلم‌های ما با وجودی که اطلاعات زیادی داشتند، اما خوب نمی‌توانستند توضیح بدهند و جوری درس می‌دادند که برای ما سنگین بود و ما نمی‌فهمیدیم و مجبور بودیم خودمان از کتاب‌های کمک درسی استفاده کنیم."

– جدی نگرفتن درس و شل‌گرفتن درس توسط معلم

وقتی معلم اهمیت کافی به درسی که تدریس می‌کند، نمی‌دهد و کارهایش را با برنامه‌ریزی و دقت انجام نمی‌دهد، دانش‌آموزان نیز آن درس را جدی نمی‌گیرند و انگیزه‌ی خود را برای تلاش و یادگیری از دست می‌دهند.

"اگر معلمی درس را جدی نگیرند و سخت‌گیری نکنند و شل بگیرند ما هم فکر می‌کنیم آن درس مهم نیست و آن درس برایم در اولویت نیست و وقتی برای درس‌های دیگر می‌گذارم و انگیزه‌ام را برای حل تمرینات از دست می‌دهم."

✓ اقداماتی که باعث احساس عدم اعتماد می‌شود

عدم اعتماد دانش‌آموز، از عواملی است که در کاهش انگیزه او نسبت به درس و یادگیری بسیار مؤثر است. در زیر به اقداماتی که باعث احساس عدم اعتماد بین معلم و دانش‌آموز می‌شود و از مصاحبه‌ی دانش‌آموزان استخراج شده است، می‌پردازیم:

- عدم رعایت عدالت در کلاس

از نگاه دانش‌آموز، معلم الگویی عاری از خطاست. اگر دانش‌آموز در کلاس تبعیض، نابرابری و ناحقی را مشاهده کند؛ حس بی‌اعتمادی در او به وجود می‌آید و محبوبیت و اعتبار معلم در بین دانش‌آموزان از بین می‌رود.

- تبعیض قائل شدن بین دانش‌آموزان

معلم در کلاس، زیر ذره‌بین دانش‌آموزان قرار دارد و آن‌ها کوچک‌ترین تفاوت در رفتار، گفتار و حتی نگاه را متوجه می‌شوند. در زیر به مصداق‌هایی از تبعیض بین دانش‌آموزان که از مصاحبه‌های دانش‌آموزان استخراج شده است، اشاره می‌شود:

- به همه دانش‌آموزان فرصت مساوی ندادن

یکی از اقداماتی که باعث می‌شود، دانش‌آموزان احساس کنند که معلم بینشان تبعیض قائل می‌شود، ندادن فرصت مساوی به آن‌هاست. در این باره یکی از دانش‌آموزان می‌گوید:

"وقتی معلم سوالی می‌پرسد و من دستم را بلند می‌کنم، اجازه نمی‌دهد صحبت کنم و بقیه بچه‌ها جواب می‌دهند اما بعداً می‌گویند چرا در کلاس مشارکت نمی‌کنی".

- عدم عدالت در ارزیابی‌ها

بی‌توجهی به پیشرفت دانش‌آموزان در ارزیابی، نادیده گرفتن تفاوت‌های فردی آنان و کم دادن نمره، از مصداق عدم رعایت عدالت در ارزیابی‌ها می‌باشد.

- نادیده گرفتن زحمات و پیشرفت دانش‌آموزان در ارزیابی‌ها

از جمله اقداماتی که باعث کاهش انگیزه‌ی دانش‌آموزان می‌شود، توجه نکردن به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان است. "زمانی هم که دانش‌آموزان با زحمت زیاد کار را آماده می‌کردند، معلم ما نسبت به زحمت آن‌ها نمره نمی‌داد و کار بچه‌ها را باهم مقایسه می‌کرد و نمره می‌داد. ما هم با گوش‌های آویزان سر جایمان برمی‌گشتیم و با خودمان می‌گفتیم کاش آن قدر زحمت نمی‌کشیدم".

- قضاوت ناصحیح

که حس بدی که از قضاوت نادرست به دانش‌آموز دست می‌دهد، باعث بی‌اعتمادی و حتی تنفر از درس و مدرسه می‌شود. "معلم علوم، چون یک بار من با یکی از بچه‌ها به مشکل برخوردیم، معلم ما با من خیلی بد صحبت کردند و به من توهین کردند و اصلاً بین ما قضاوت صحیح نکردند و به ناحق طرفداری دوستم را کردند، من از همان روز از علوم خوشم نمی‌آید. هر وقت که از این ماجرا یادم می‌آید، عصبانی می‌شوم و نمی‌توانم معلم را ببخشم".

- عدم رازداری معلم

در زیر نمونه‌هایی از عدم رازداری معلم آورده شده است:

- اطلاع به دفتر

از جمله اقداماتی که حس بی‌اعتمادی را در دانش‌آموزان برمی‌انگیزد، انتقال مطالب و اتفاقات کلاس به دفتر می‌باشد. "برخی از معلمین خبرها و اتفاقات کلاس را به دفتر انتقال می‌دهند و در ما احساس بی‌اعتمادی ایجاد می‌کنند. نظر من نسبت به معلمی که حرف‌های ما را زود به دفتر اطلاع می‌دهد، عوض می‌شود و دیگر او را دوست ندارم و احترامی برایش قائل نمی‌شوم".

- اطلاع به والدین

فاش کردن اتفاقات کلاس و انتقال آن به والدین، یکی دیگر از نمونه‌های عدم رازداری معلم می‌باشد "یکی از معلم‌های ما، هر وقت اتفاقی در کلاس بیفتد و خطایی انجام داده باشیم، سریع به والدین ما خبر می‌دهد و یا زیر برگه‌ها به آنان اطلاع می‌دهد. انگار منتظر است که ما را جلوی پدر و مادرمان خراب کند. بعضی از بچه‌ها از او می‌ترسند ولی من به خودش و درسش اهمیت نمی‌دهم".

اقدامات انگیزشی و

ضد انگیزشی

معلمان در فرایند

یاددهی - یادگیری

❖ ایجاد انگیزه:

- ۱. جلب توجه دانش آموزان: طرح سوال، روش های متنوع و جذاب تدریس، رسانه های مختلف آموزشی
- ۲. تحریک دانش آموزان: برانگیختن حس رقابت در بین دانش آموزان، جملات تأثیرگذار و هشداردهنده، تحریک کنجکاوی

❖ تداوم انگیزه:

- ۱. استفاده از تشویق: توجه به رفتار مثبت، تشویق در جمع
- ۲. بالا بردن آگاهی دانش آموزان: صحبت درباره آینده، مهارت های مفید در زندگی، تجارب معلم .
- ۳. درگیر کردن دانش آموزان: مشارکت دانش آموزان، فعالیت های خارج مدرسه

❖ ماندگاری انگیزه:

- ۱. چشاندن احساس لذت و رضایت: آموزش مهارت جدید، تقدیر از توانمندی
- ۲. چشاندن احساس کفایت و شایستگی: خلاقیت و نوآوری دانش آموزان و توجه به توانمندی آنان

• اقداماتی که باعث عدم ارتباط مناسب می شود

- ۱. برخورد شدید در برابر خطای دانش آموزان
- ۲. اهمیت ندادن به دانش آموزان
- ۳. عدم آراستگی معلمان
- ۴. فخر فروشی معلمان

• اقداماتی که باعث احساس عدم کفایت می شود

- ۱. ایجاد ترس و استرس در دانش آموزان
- ۲. عدم تدریس مطلوب

• اقداماتی که باعث احساس عدم اعتماد می شود

- ۱. عدم رعایت عدالت در کلاس
- ۲. عدم رازداری معلم

اقدامات افزایش دهنده

انگیزش معلمان

اقدامات کاهش دهنده

انگیزش معلمان

نمودار ۱. اقدامات انگیزشی و ضد انگیزشی معلمان در فرایند یاددهی - یادگیری

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجارب زیسته‌ی دانش‌آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی معلمان در فرایند یاددهی - یادگیری با استفاده از پدیدارشناسی توصیفی با رویکرد کیفی، مدرسه دخترانه‌ی امام رضا(ع)، دوره اول متوسطه واقع در منطقه تبادکان مشهد انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اقدامات انگیزشی معلمان، شامل ۳ مرحله‌ی ایجاد انگیزه، تداوم انگیزه و ماندگاری انگیزه می‌باشد؛ و اقدامات ضدانگیزشی آنان شامل ۳ محور است که عبارتند از: اقداماتی که سبب عدم برقراری ارتباط مناسب می‌شود، اقداماتی که سبب احساس عدم کفایت و شایستگی در دانش‌آموزان می‌شود و اقداماتی که سبب احساس عدم اعتماد در دانش‌آموزان می‌شود.

از آن‌جا که یکی از وظایف مهم معلمان، شناسایی استعدادها و بالقوه دانش‌آموزان و فراهم نمودن زمینه‌های رشد و شکوفایی آنان است، این مسأله معلمان را ناگزیر می‌سازد تا شرایط و محیط یادگیری را به گونه‌ای شکل دهند تا یادگیری با میل و رغبت صورت گیرد. بدین منظور بایستی برای ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان گام بردارند. روان‌شناسان و دانشمندان مدت‌هاست که به اهمیت انگیزش در حمایت از یادگیری دانش‌آموزان پی برده‌اند. انگیزش بارها به عنوان عنصر کلیدی برای موفقیت دانش‌آموزان در یادگیری و کار افراد گزارش شده است و اغلب به عنوان محرک درونی برای رفتار یا عمل به شیوه‌ای خاص در نظر گرفته می‌شود (Jovanovic and Matjevic, 2014). از آن‌جا که انگیزه مستقیماً با میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان رابطه دارد، لازم است برای ایجاد یک نظام آموزشی موفق و پویا به این امر مهم توجه بیشتری شود. متأسفانه یکی از مشکلات شایع نظام آموزشی در بسیاری از کشورها، پایین بودن سطح انگیزه تحصیلی در بین یادگیرندگان می‌باشد که سالانه زبان‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را متوجه دولت‌ها و خانواده‌ها می‌کند و نظام آموزشی کشورها را با افت تحصیلی مواجه می‌سازد. بنابراین جهت کم کردن خسارت ناشی از کاهش انگیزه تحصیلی باید تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه صورت بگیرد. از طرف دیگر، موضوع مهم دیگری که آموزش و پرورش ما را تهدید می‌کند مسأله ترک تحصیل دانش‌آموزان در مقطع دبیرستان می‌باشد. علاوه بر فقر مالی که به اشتغال کودکان و نوجوانان منجر می‌شود، فقر انگیزشی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند (Motaghi, Yazdi, Bani Jamali and Darvizah, 2013).

از طرفی اهمیت انگیزش در یادگیری به اندازه‌ای است که حتی می‌تواند کاستی‌های موجود در توانایی و استعداد افراد را جبران کند (Csizer & Dornyei, 2005). بنابراین، با ایجاد شرایطی که انگیزش دانش‌آموزان را برای یادگیری افزایش دهد و این انگیزش پایدار بماند، می‌توان به بهبود یادگیری و کاهش آمار ترک کنندگان تحصیل امیدوار شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که معلم برای جلب توجه دانش‌آموزان، می‌تواند از طرح سؤال، روش‌های متنوع و جذاب تدریس، رسانه‌های مختلف آموزشی و در زمان‌هایی که احساس می‌کند دانش‌آموزان دچار کسالت و خستگی شده‌اند، از طنز و شوخی و یا بازی استفاده کند. در واقع معلم با استفاده از این روش‌ها با ایجاد تنوع، شور و نشاط را در کلاس به وجود می‌آورد و کلاس را از یکنواختی و کسالت‌رهایی می‌بخشد و باعث می‌شود دانش‌آموزان با توجه، تمرکز و رغبت به درس گوش سپارند. همچنین برای تحریک دانش‌آموزان به فراگیری، معلم می‌تواند از طریق تحریک حس کنجکاوی، رقابت سالم، تعیین جایزه و امتیاز و یا استفاده از جملات تحریک‌کننده و تأثیرگذار، در دانش‌آموزان ایجاد انگیزه کند. در طراحی انگیزشی کلر (۱۹۹۹)، جلب توجه دانش‌آموزان اولین عامل در ایجاد انگیزه می‌باشد که تا حد زیادی با پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. کلر اقداماتی هم‌چون ناهماهنگی و تضاد، عینی سازی، تنوع، شوخ طبعی، پرسشگری و مشارکت فعال را در جلب توجه دانش‌آموزان مؤثر می‌داند.

هم‌چنین (Habibi, 2011)، نیز در تحقیقات خود، به نقش استفاده از روش تدریس مناسب در ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان پرداختند. آنان استفاده از روش تدریس مناسب را عاملی مهم در جلب توجه دانش‌آموزان و در نتیجه یادگیری بیشتر و افزایش انگیزه در دانش‌آموزان می‌دانند، که با پژوهش حاضر همسو می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد؛ معلم این کار را با ۴

اقدام کلی می‌تواند انجام دهد. ۱- استفاده از تشویق ۲- بالا بردن اعتماد به نفس دانش‌آموزان ۳- بالا بردن آگاهی دانش‌آموزان ۴- درگیر کردن دانش‌آموزان نقش و اهمیت تشویق برهیچ کس پوشیده نیست. مخصوصاً اگر این تشویق در برابر جمع و در حضور هم‌سالان و یا والدین آنان صورت گیرد. یادآوری رفتارهای مثبت دانش‌آموزان، ارفاق نمره و یا دادن امتیاز مثبت هم‌چنین دانستن علایق دانش‌آموزان و استفاده از آن برای تشویق باعث برقراری ارتباط خوب با دانش‌آموز می‌شود و پذیرش دانش‌آموز را برای یادگیری مطالب جدید افزایش می‌دهد و تداوم انگیزه را موجب می‌شود.

تشویق یکی از روش‌های قرآن برای ایجاد انگیزه استاز جمله اساسی‌ترین نکاتی که در تشویق باید به آن توجه کرد، رعایت اعتدال و تشخیص موارد اعمال آن است. علی (ع) در سخنی حکمت‌آمیز به این اصل اساسی اشاره فرموده است: *"الْتَنَاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْأَسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْأَسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ"* ستایش بیش از اندازه/استحقاق، چالوسی است و کمتر از مقدار شایستگی فرد، عجز ناتوانی یا حسد است" (اخلاقی، ۱۳۹۰). استفاده از تشویق، منطبق با نظریه‌های رفتارگرایان می‌باشد و با نظریه تقویت و انگیزش و هم‌چنین با نظریه شناختی - اجتماعی بندورا که یکی از منابع ایجاد کفایت را استفاده از اغوا و تشویق کلامی می‌داند، هم خوان است.

یکی دیگر از اقداماتی که در ایجاد و تداوم انگیزه دانش‌آموزان می‌تواند مؤثر باشد، اقداماتی است که آگاهی‌دهنده می‌باشد. در این خصوص (Bruhn, Hirsch, & Vogelgesang, 2017). در مقاله خود با عنوان "آموزش انگیزشی؟ برنامه‌ای برای آن وجود دارد!" از برنامه‌های کاربردی تلفن‌همراه، به منظور افزایش انگیزه و تعامل دانش‌آموزانی که دارای معلولیت‌های یادگیری یا اختلالات رفتاری می‌باشند، استفاده می‌کنند. این برنامه‌ها با استراتژی‌های خاصی مطابقت دارد. سه استراتژی مطرح شده در این مقاله شامل: چالش، زمینه و کنترل می‌باشد.

اگر برای هر شخصی هدفی تعیین شود، افراد جهت نیل به اهداف تعیین شده برانگیخته می‌شوند. در واقع افراد هدفمند، بیشتر و دقیق‌تر از اهداف بی‌هدف تلاش می‌کنند. هم‌چنین، افراد با اهداف رقابتی و مبارزه طلبانه، نسبت به افرادی که دارای اهداف ساده و سهل هستند، بیشتر تلاش و فعالیت می‌کنند (Seyed Javadin, 2007).

از دیگر اقداماتی که برای تداوم انگیزه دانش‌آموزان می‌تواند صورت گیرد، درگیر کردن آنان با موضوع درس می‌باشد؛ به طوری که به موضوع تدریس بیندیشند، به آن علاقه‌مند شوند و اطلاعات خود را در این زمینه افزایش دهند در این راستا Ackerman & Hu (2011)، در پژوهشی با عنوان "تاثیر نوع برنامه درسی بر نتایج آموزشی و انگیزشی دانشجویان بازاریابی با سبک‌های مختلف یادگیری" بیان می‌کند که بسیاری از معلمان، طرفدار استفاده از روش یادگیری فعال به منظور انگیزه دادن دانشجویان برای یادگیری می‌باشند نتایج یک آزمایش بر روی دانشجویان بازاریابی نشان داد که دوره‌هایی که به طور مداوم از روش یادگیری فعال استفاده می‌کردند، نسبت به دوره‌هایی که از روش یادگیری غیر فعال برای دانشجویان مستقل بهره می‌بردند، رتبه بسیار بالاتری در نتایج یادگیری و انگیزش دانشجویانشان دریافت کردند.

Pintrich, Smith, Garcia, and McKeighy (1991) معتقدند یادگیری خودتنظیمی زمانی اتفاق می‌افتد که افراد به صورت فعال در حیطه‌های انگیزشی و یادگیری خودشان مشارکت کنند. آنان یادگیری خودتنظیمی را نوعی یادگیری می‌دانند که در آن دانش‌آموزان به جای آن که برای کسب مهارت و دانش بر معلمان، والدین و دیگر عوامل آموزشی تکیه کنند، شخصاً کوشش‌های خود را شروع و هدایت می‌کنند. وقتی دانش‌آموزان حس لذت و رضایت را درک کنند دیگر نیازی نیست که آنان را برای یادگیری برانگیزانید. در این راستا (Cole & Hilliard, 2006)، در پژوهش خود با عنوان "تاثیر برنامه درسی خواندن بر روی عملکرد و انگیزش خواندن بود. نتایج نشان‌دهنده هم‌بستگی معنی دار بین عملکرد خواندن و انگیزش دانش‌آموزان بود و تفاوت‌های کیفی در انگیزش و درگیری دانش‌آموزانی که تحت آموزش وب قرار گرفتند، مشاهده شد.

چشاندن حس خودکارآمدی و شایستگی در دانش‌آموزان نیز باعث ماندگاری انگیزه در آنان می‌شود. ارتقا حس کفایت و شایستگی دانش‌آموزان منطبق با نظریه‌های انسان‌گرایانه هم‌چون نظریه مازلو می‌باشد. انسان‌گرایان برای ایجاد انگیزش،

بر تقویت و تنبیه تأکید ندارند، بلکه بیشتر به خود انسان و توانایی‌های ویژه‌ای که دارد توجه دارند و معتقدند که ویژگی‌های مثبت وجودی انسان مانند عزت نفس، خودمختاری و شایستگی را باید در دانش‌آموزان افزایش بدهیم. در واقع از نظر نظریه پردازان، افراد زمانی به تجربه کردن انگیزش درونی علاقه نشان می‌دهند که احساس شایستگی و خود - تعییتی کنند. این دو ادراک از خود، در واقع اجزایی از یک موضوع واحد می باشند. بدین ترتیب، اگر افراد دریابند که در موقعیت معینی قادر به عملکردی موفقیت‌آمیز هستند (Schunk, 1998) و می‌توانند موقعیت را به طور معنا داری کنترل و تنظیم کنند (Weisz & Comeron, 1985)، بیشتر احتمال دارد از لحاظ درونی برانگیخته شوند. نظریه انتظار معلم، نظریه شناختی - اجتماعی، نظریه اسناد، نظریه تکلیف درگیری در برابر خود درگیری و نظریه خودگردان.

Bandura (1994)، معتقد است که افرادی که دارای حس قوی خود-کارآمدی باشند: به مسائل چالش‌برانگیز به صورت مشکلاتی که باید بر آن‌ها غلبه کرد، می‌نگرند. علاقه عمیق‌تری به فعالیت‌هایی که در آن‌ها مشارکت دارند، نشان می‌دهند. تعهد بیشتری نسبت به علایق و فعالیت‌هایشان حس می‌کنند. و به سرعت بر حس یأس و نومییدی چیره می‌شوند. عدم آراستگی معلم نیز از اقداماتی است که از برقراری ارتباط مناسب با دانش‌آموزان جلوگیری می‌کند. همسو با این نتایج (Mottaqi et al, 2014) در پژوهشی، نقش واسطه‌ای انگیزش خود تعیین‌گری و عملکرد تحصیلی در رابطه معلم - دانش‌آموز و تصمیم به ادامه یا ترک تحصیل را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این بررسی نشان داد که با بهبود روابط معلم دانش‌آموز، ضمن افزایش انگیزش و بهبود عملکرد دانش‌آموز می‌توان تصمیم به ترک تحصیل را در دانش‌آموزان کاهش داد. دومین محوری که در رابطه با اقدامات ضدانگیزشی معلمان از مصاحبه‌های دانش‌آموزان استخراج شد، اقداماتی است که باعث احساس عدم کفایت در دانش‌آموزان می‌شود. رفتار دانش‌آموزان میزان احساس خودکارآمدی آن‌ها را نشان می‌دهد، نمونه‌ای از تعامل شخصی محیطی در دانش‌آموزانی که ناتوانی در یادگیری دارند نیز مشاهده می‌شود که اکثر آن‌ها احساس می‌کنند که لیاقت و شایستگی انجام کارها را ندارند.

(Licht and Kastner, 1986; Bandura, 1994) اظهار می‌دارد؛ کسانی که حس خود-کارآمدی ضعیفی داشته باشند: از کارهای چالش‌برانگیز اجتناب می‌کنند.

همان‌طور که کاملاً مشهود است، عوامل موثر در کاهش و یا از بین رفتن انگیزه در دانش‌آموزان بیشتر به رفتارهای ناشایست معلم در برخورد با دانش‌آموزان مربوط می‌شود. تمام رفتارها و اعمال و گفتار معلم در معرض دید و قضاوت دانش‌آموزان قرار دارد. در این راستا (Tella, 2007)، در تلاش برای بهبود پیامدهای شناختی و عاطفی جست و جوی پیوسته‌ای را برای متغیرها و عوامل (فردی و محیطی) انجام داد که با دستکاری آن‌ها می‌توان نتایج مطلوبی را در تحصیل فراهم آورد. نتایج نشان داد، دانش‌آموزانی که از انگیزش بالاتری برخوردار بودند در مقایسه با دانش‌آموزان کم انگیزه، عملکرد تحصیلی بهتری داشتند که یکی از عوامل ایجاد انگیزه خود معلم است.

از طرفی محبوبیت معلم نیز نقش بسیار مهمی در ایجاد و افزایش انگیزه در دانش‌آموزان دارد. چه بسا دانش‌آموزانی که فقط به صرف دوست داشتن معلم، به درس و یا رشته‌ی خاصی علاقمند شدند و به خاطر معلم سعی و تلاش کردند و عقب افتادگی تحصیلی خود را جبران نمودند. پس نقش حساس معلم، آنان را ناگزیر می‌کند با بهبود صلاحیت و توانایی‌های فنی خود (علم و مهارت در درس مورد آموزش)، صلاحیت و توانایی حرفه‌ای خود (آگاهی از برنامه‌ریزی، ارائه و ارزیابی آموزشی) و صلاحیت شخصی (ویژگی‌های شخصی و رفتاری موثر در فرایند تعلیم و تربیت)، در جذب دانش‌آموزان بکوشند و با بهره‌گیری از پژوهش‌ها و نظریه‌های ارائه‌شده در زمینه انگیزش، دانش خود را در این زمینه افزایش داده و در جهت ایجاد و بالا بردن انگیزه در دانش‌آموزانشان بکوشند. در این پژوهش به بررسی تجربیات و ادراکات دانش‌آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی و ضدانگیزشی معلمان پرداخته شده‌است؛ لذا پیشنهاد می‌شود که به بررسی ادراک و تجربه زیسته معلمان نیز در خصوص اقداماتی که باعث افزایش و یا کاهش انگیزه در دانش‌آموزان می‌شود نیز، پرداخته شود همچنین جهت آگاهی از این که اقدامات انگیزشی و ضدانگیزشی موثر بر دانش‌آموزان دختر بر دانش‌آموزان پسر نیز همان تاثیر را دارد؛ بهتر است پژوهشی مشابه در دبیرستان پسرانه صورت گیرد؛ تا اثر جنسیت

بر انگیزش نیز مورد مطالعه قرار گیرد. نتایج نشان داد تدریس نامطلوب عدم کفایت در دانش آموزان را به همراه دارد. توصیه می‌شود معلمان از روش‌های متنوع در آموزش و توسعه و طراحی راهبردهای یادگیری موثر جهت ایجاد خوش‌بینی و افزایش انگیزه استفاده کنند. همچنین تبعیض قائل شدن و نادیده گرفتن زحمات و پیشرفت دانش‌آموزان در ارزیابی‌ها بی‌اعتمادی دانش‌آموزان را در پی خواهد داشت. توصیه می‌شود معلمان در ارزیابی دقت عمل داشته و عدالت در ارزیابی‌ها را در نظر داشته باشند. علاوه بر این به معلمان توصیه می‌شود راهکارهای موثر و کارآمدی را در جهت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان ارائه دهند و هرچه بیشتر در جهت فراهم کردن زمینه مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای آموزشی کوشش نمایند. نتایج حاکی از آن است که اهمیت ندادن به دانش‌آموزان یکی از موانع مهم ارتباط بین معلم-دانش‌آموزان است. توصیه می‌شود معلمان به راه‌حل‌های جدید دانش‌آموزان اهمیت دهند و در مواجهه با احساسات دانش‌آموزان تدابیر مناسبی داشته باشند. علاوه بر موارد بالا به منظور افزایش انگیزش تحصیلی تقویت انجمن‌ها علمی و برگزاری نشست‌های مختلف، درگیر کردن دانش‌آموزان در برنامه‌های تحقیقاتی به منظور افزایش احساس کارآمدی انگیزش، اعطای استقلال در تعیین اهداف در یادگیری، واگذاری مسئولیت‌های مختلف به دانش‌آموزان، پویا کردن فضای آموزشی و درگیری گروه‌های دانش‌آموزی از طریق اجرای برنامه‌های علمی، آموزشی و تفریحی مختلف پیشنهاد می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله، برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته برنامه ریزی درسی در دانشگاه فردوسی مشهد با عنوان «تجارب زیسته دانش‌آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی و ضد انگیزشی معلمان در فرآیند یاددهی-یادگیری» بود. نقشه و طرح اساسی، بیان مسئله، بحث و نتیجه‌گیری و رعایت ساختار مقاله بر عهده دکتر حسین جعفری‌ثانی، بررسی کلی و نظارت بر بخش‌های روش‌شناسی و تحلیل یافته‌ها بر عهده مرتضی کرمی رعایت ساختار، بیان مساله، و بخش پیشینه و گردآوری یافته‌ها بر عهده سیده فهیمه ارفعی و تقویت پیشینه، تقویت بیان مساله و انجام اصلاحات بر عهده شیوا جلایری لایین انجام شد.

تشکر و قدردانی

از تمامی معلمان، مدیران و دانش‌آموزانی که در این پژوهش همکاری داشتند قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

- اخلاقی، عبدالرحیم (۱۳۹۰). نگاهی به روش تشویق در ایجاد انگیزه از دیدگاه قرآن، *مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، (۱) ۱، صص ۱۵۲-۱۲۷.
- اسپالدینگ. چریل. ال (۱۳۸۷). *انگیزش در کلاس درس*، مترجم: حسین یعقوبی، ایرج خوش خلق، تبریز: انتشارات تربیت معلم.
- اسپالدینگ. چریل. ال (۱۳۷۷). *انگیزش در کلاس درس*، مترجم: اسماعیل بیابانگرد و محمدرضا نائینیان.
- ایدر، امیرمحمد؛ حسن‌س ساطحی، رضا؛ قنبری، موسی و حسینی، اشکان (۱۳۹۶). تاثیر انگیزش و درگیر نمودن دانش‌آموزان در تثبیت یادگیری و تدریس، *سومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی*.
- پانپی، افسانه؛ کر، صدیقه و جونی، علی (۱۳۹۶). ایجاد انگیزه در فرایند تدریس و تاثیر آن در تثبیت یادگیری دانش‌آموزان. *اولین همایش ملی علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روان‌شناسی و امنیت اجتماعی*، تهران، دانشگاه طه- معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان البرز.
- حبیبی، ملوک (۱۳۹۰). نقش روش تدریس فعال معلمان در هندسه (با مدل ون هیلی) در افزایش انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی، *مشاوره شغلی و سازمانی*، (۱۴) ۵، ۸۴-۱۰۵.

سید جوادین، سیدرضا (۱۳۸۶). مبانی سازمان و مدیریت، تهران: نگاه دانش.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۸). روان‌شناسی پرورشی نوین، روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران: دوران.

طاهری، ژاله (۱۳۸۹). عوامل موثر در الگوی مناسب باورهای انگیزشی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، (۴۸)، ۱۲، ۸۳-۶۶۲.

عباس‌زاده، محمد؛ عزیززاده اقدم، محمدباقر و کوهی، کمال (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی - فردی موثر بر انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه. *مطالعات جامعه‌شناسی* ۱(۱)، ۷۳-۴۷.

کاوه، محمدحسین (۱۳۸۹). انگیزش و یادگیری. *فصلنامه دانشگاهی یادگیری الکترونیکی (مدیا)*، ۱(۱).

متقی، شکوفه؛ یزدی، سیده‌منور؛ بنی جمالی، شکوه‌السادات و درویزه، زهرا (۱۳۹۳). ارتباط معلم - دانش‌آموز و تصمیم به ادامه یا ترک تحصیل: نقش واسطه‌ای: نقش واسطه‌ای انگیزش خود تعیین‌گری و عملکرد تحصیلی، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۲۷(۸)، ۳۵-۵۸.

محمدی، صابر (۱۳۹۰). بررسی نقش انگیزش در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، تهران: جام‌جم.

مصیبی، بهاره و صادقی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر در میزان انگیزه دانش‌آموزان و تاثیر آن بر میزان یادگیری، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، *مطالعات اجتماعی و فرهنگی تهران*، <https://civilica.com/doc/394167>.

یوسفی، علیرضا؛ قاسمی، غلامرضا و فیروزنیا، سمانه (۱۳۸۸). ارتباط انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، *ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۹(۱)، ۷۹-۸۵.

References

- Abbaszadeh, M., Alizadeh Aghdam, M. B., & Kouhi, K. (2009). A study of the social and individual factors affecting educational motivation among high school students of Arasbaran region. *Journal of Sociology Studies*, 1(1), 47-73. Retrieved from SID. [In Persian]
- Ackerman, D. S., & Hu, J. (2011). Effect of Type of Curriculum on Educational Outcomes and Motivation Among Marketing Students with Different Learning Styles. *Journal of Marketing Education*, 33(3), 273-284.
- Aims, I. (1984). Achievement Attributions and self- Instructions under competitive and Individualist Structures. *Journal of Educational Psychology*, No. 76, 142-159
- Akhlaqi, Abdolrahim (2011). A look at the method of encouragement in creating motivation from the perspective of the Quran, *Journal of Islam and Management Research*, (1)1, pp. 127-152. [In Persian]
- Bong, M. (2009). Age-related differences in achievement goal differentiation. *Journal of Educational Psychology*, 104, 879-896.
- Bruce, W.T., Dennis, A. A., and Dennis R.S. (2007). *Learning and Motivation strategies: Your Guide to success*. Pearson Education.
- Bruhn, A., Hirsch, S., & Vogelgesang, K. (2017). Motivating Instruction? There's an App for That! *Intervention in School and Clinic*, 52(3), 163-169.
- Chiu, L. H. (1997). Development and Validation of the School Achievement Motivation Rating Scale. *Educational and Psychological Measurement*, 57(2), 292-305.
- Cole, J. M., & Hilliard, V. R. (2006). The Effects of Web-Based Reading Curriculum on Children's Reading Performance and Motivation. *Journal of Educational Computing Research*, 34(4), 353-380.
- Criss, E. (2011). Dance All Night: Motivation in Education. *Music Educators Journal*, 97(3), 61-66.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2012). *Motivation, personality, and development within embedded social contexts: An overview of self-determination theory*. In R. M. Ryan (Ed), Oxford handbook of human motivation. Oxford, UK: Oxford University Press. 85-107.
- Deci, E. L., Koestner, R., & Ryan, R. M. (2001). Extrinsic Rewards and Intrinsic Motivation in Education: Reconsidered Once Again. *Review of Educational Research*, 71(1), 1-11.
- Deci, E., & Ryan, R. (1985). *Intrinsic Motivation and Self-Determination in Human Behavior*. New York: Plenum Press.

- Dickhauser, C., Buch, S., & Dickhauser, O. (2011). Achievement after failure: The role of achievement goals and negative self-related thoughts. *Learning and Instruction*, 21(1), 152-162.
- Dusek, J. B. (2000). The development of test anxiety in children. In I. G. Sarason (Ed.), *Test anxiety: Theory, research, and applications* (pp. 87-110). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Dweck, C. S., & Leggett, E. L. (1988). A social cognitive approach to motivation and personality. *Journal of Psychological Review*, 95, 256-273.
- Eider, A. M., Hassanes-Satehi, R., Ghanbari, M., & Hosseini, A. (2017). *The effect of motivating and engaging students in consolidating learning and teaching*. Paper presented at the Third National Conference on Knowledge and Technology of Educational Sciences, Social Studies and Psychology. [In Persian]
- Elliot, A. J. (1999). Approach and avoidance motivation and achievement goals. *Journal of Educational Psychologist*, 34, 169-189.
- Flick, U. (2006). *An introduction to qualitative research* (3rd ed.). London: Sage Publications Ltd.
- Fuentes, A. M. D. C., Blanco Fernández, J., García Mata, M. D. L. Á., Rebaque Gómez, A., & Pascual, R. G. (2020). Relationship between personality and academic motivation in education degrees students. *Education Sciences*, 10(11), 327. <https://doi.org/10.3390/educsci10110327>
- Graciani Hidajat, H., Hanurawan, F., Chusniyah, T., & Rahmawati, H. (2020). Why I'm bored in learning? Exploration of students' academic motivation. *International Journal of Instruction*, 13(3), 119-136. <https://doi.org/10.29333/iji.2020.1339a>
- Habibi, M. (2011). The role of teachers' active teaching method in geometry (with Van Healy model) in increasing motivation and learning of elementary school students. *Journal of Career and Organizational Counseling*, 14(5). [In Persian]
- Hanchon, T. A. (2010). The relation between perfectionism and achievement goals. *Journal of Personality and Individual Differences*, 49, 885-890.
- Hands, C., & Limniou, M. (2023). Diversity of Strategies for Motivation in Learning (DSML)—A New Measure for Measuring Student Academic Motivation. *Behavioral Sciences*, 13(4). <https://doi.org/10.3390/bs13040327>
- Hansenne M, Bianchi J. (2014). Emotional intelligence and personality in major depression: Trait versus state effects. *Psychiatr Res*; 63-8.
- Jovanovic, D., & Matejevic, M. (2014). Relationship between rewards and intrinsic motivation for learning. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 149, 456-460. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.08.288>
- Kaveh, M. H. (2010). *Motivation and learning*. Academic Quarterly Journal of Electronic Learning (Media), 1(1). [In Persian]
- King, N., & Bunce, L. (2020). Academics' perceptions of students' motivation for learning and their own motivation for teaching in a marketized higher education context. *British Journal of Educational Psychology*, 90(3), 790-808.
- Koyuncuoglu, Ö. (2021). An Investigation of Academic Motivation and Career Decidedness among University Students. *International Journal of Research in Education and Science*, 7(1), 125-143.
- Liem, A. D., Lau, S., & Nie, Y. (2008). The role of self-efficacy, task value, and achievement goals in predicting learning strategies, task disengagement, peer relationship, and achievement outcome. *Journal of Contemporary Educational Psychology*, 33, 486-512.
- Linehan M. (2015). *Cognitive-behavioral treatment of borderline personality disorder*. New York: Guildford;1-25.
- Luo, W., Hogan, D., & Paris, S. G. (2011). Predicting Singapore students' achievement goals in their English study: Self-Construal and classroom goal structure. *Journal of Learning and Individual Differences*, 3, 1-10.
- Mohammadi, S. (2011). *Investigating the role of motivation in the education of students*. Tehran: Jam-Jam Publishing. [In Persian]

- Mosaibi, B., & Sadeghinia, A. (2015). *Study of factors affecting the level of student motivation and its impact on the level of learning*. Paper presented at the Second National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies. [In Persian]
- Mottaqi, S., Yazdi, S. M., Bani Jamali, S. S., & Darvezeh, Z. (2014). Teacher-student relationship and decision to continue or drop out of education: The mediating role of self-determination motivation and academic performance. *Research in Educational Systems*, 8(27), 35–58. [In Persian]
- Muñoz, A., & Ramirez, M. (2015). Teachers' conceptions of motivation and motivating practices in second-language learning: A self-determination theory perspective. *Theory and Research in Education*, 13(2), 198–220.
- Panpi, A., Ker, S., & Juveini, A. (2017). *Creating motivation in the teaching process and its impact on consolidating students' learning*. Paper presented at the First National Conference on Social Sciences, Educational Sciences, Psychology and Social Security, Tehran: Taha University, Deputy for Social Affairs and Crime Prevention of the General Justice Department of Alborz Province. [In Persian]
- Pintrich, P. R., Smith, D. A., Garcia, T. & McKeachie, W. (1991). A manual for the use of the motivated strategies for learning questionnaire (MSLQ). University of Michigan, National Center for Research to Improve Postsecondary Teaching and Learning, Ann Arbor, MI.
- Schunk, D., & Zimmerman, B. (1994). Self-regulation of learning and performance: Issues and educational applications. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Seif, A. A. (2009). *Modern educational psychology: Psychology of learning and education*. Tehran: Doran Publishing. [In Persian]
- Sengodan, V., & Iksan, Z.H. (2012). Students' learning styles and intrinsic motivation in learning mathematics. *Asian Social Science*, 8(16), 17-23.
- Seyyed Javadin Seyyed Reza (2007). *Fundamentals of Organization and Management*, Tehran: Negah Danesh. 84-105. [In Persian]
- Spalding, C. L. (1998). *Motivation in the classroom*. (translated by I. Biyabangard & M. Naeinian, Trans.) [In Persian]
- Spalding, C. L. (2008). *Motivation in the classroom*. (H. Yaghoubi & I. Khoshkhalq, Trans.). Tabriz: Tarbiat Moalem Publications. [In Persian]
- Stipek, D. J. (2008). *Motivation to learn: From theory to practice* (4th ed.), Boston, Allyn & Bacon.
- Tella A. (2007). The Impact of Motivation on Student's Academic Achievement and Learning Outcomes in Mathematics among Secondary School Students in Nigeria; *Eurasia Journal of Mathematics, Science & Technology Education*, 3(2), 149-156.
- Utsey, C. J. (2006). *Differences in motivational beliefs and learning strategies of physical therapist students in classroom and clinical settings* (Dissertation of Doctor of Philosophy). Houston University.
- Wells, A. (1995). Meta-cognition and worry: A cognitive model of generalized anxiety disorder. *Behav Cognit Psychother*; 23: 301-20
- Wolters, G. A. (1998). Self-regulated learning and college students regulation of motivation. *Journal of Educational Psychology*, No.90, 224-235.
- Yousefi, Alireza; Ghasemi, Gholamreza and Firouznia, Samaneh (2009). The relationship between academic motivation and academic progress of medical students at Isfahan University of Medical Sciences, *Iranian Journal of Education in Medical Sciences*, (1)9, pp. 79-85. [In Persian]
- Zeidner, M. (1988). Test anxiety: the state of the art. New York: Plenum. Zimmerman, B. J., & Martincz-Pons, M. (1992). Self regulation learning. *Journal of Educational Psychology*, 108(3), 253-289.